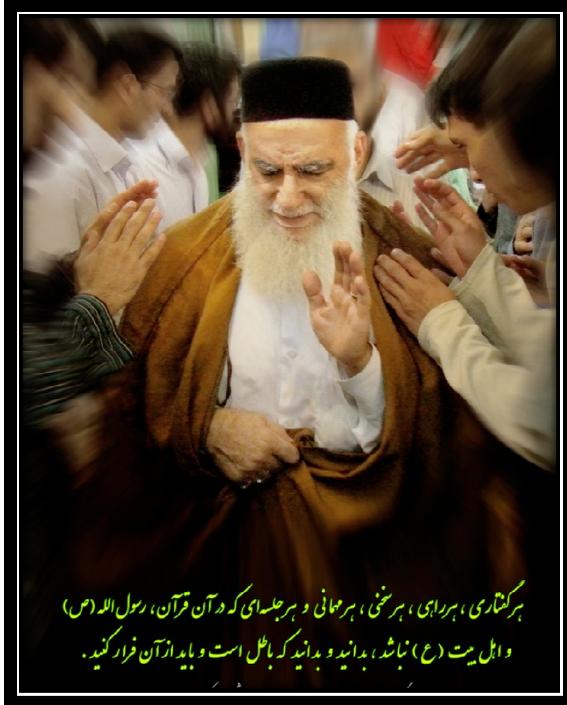


## نور هدایت (۱)

" ای پیامبر تنها وظیفه تو اندرز و ترسانیدن است و هر قومی را رهنمایی است. "

سوره رعد آیه ۷



خدا را سپاس می گوئیم که این توفیق را عنایت فرمود تا بتوانیم بخشی از مجموعه گفتار

### استاد اخلاق شیخ علی اکبر تهرانی

را که در طی چندین سال جمع آوری شده است به چاپ برسانیم. ایشان از محرم سال ۱۳۵۵ در غرب تهران با برپا نمودن جلسات قرآن، احکام و سخنرانی در هیئت متوسلین به حضرت علی اکبر (ع) گفتار خدا و معصومین (ع) را آن گونه که هست به گوش مردم می رسانند. هم اکنون نیز جلسات پرفیض ایشان در همان غرب تهران دایر است و هر هفته صدها نفر از مشتاقان راه خدا شبهای جمعه در جلسه ایشان حضور یافته و بهره می برند.

**این کتاب قبل از چاپ به رؤیت ایشان رسیده و مورد تأیید آن جناب می باشد.**

امید است که با یاری خدای متعال بتوانیم ادامه این سخنان را هر چه زودتر به دست علاقه مندان برسانیم.

والسلام، علی کیانی

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## 🕌 قرآن سوره مبارکه زمر آیه ۱۸:

بشارت بده به کسانی که به هر سخنی گوش می دهند پس بهترین آن را پیروی می کنند. آنان هستند که خدا هدایتشان کرده و آنان هستند صاحبان خرد.

## 🕌 رسول خدا(ص):

أَوَّلُ الْعِلْمِ مَعْرِفَةُ الْجَبَّارِ، آخِرُ الْعِلْمِ تَفْوِيضُ أَمْرِ إِلَيْهِ.  
اولین علمها شناخت خداست و آخرین آنها تسلیم شدن در برابر اوامر الهی است.

## 🕌 امام علی(ع):

انسان بوسیله سه امر به کمال می رسد:

۱. پند پذیری درونی
۲. پندگوی درونی
۳. توفیق الهی

۱. منتظرین امام زمان (عج) چند گروه هستند:

۱. منتظرین گمراه: اینها کسانی هستند که نشسته‌اند و دست روی دست گذاشته‌اند تا حضرت تشریف بیاورند و کارها را اصلاح نمایند.
  ۲. منتظرین مخرب: اینها کسانی هستند که هم گناه می‌کنند و هم دعوت به گناه می‌کنند به امید اینکه عالم از ظلم و جور اشباع شود تا حضرت ظهور کنند!
  ۳. منتظرین غافل: اینها کسانی هستند که برای ظهور حضرت دعا می‌کنند، ختم می‌گیرند ولی در بند اصلاح خود و زن و و بچه و خانواده نیستند.
  ۴. منتظرین عاقل و عادل: اینها کسانی هستند که دائم به یاد خدا و در فکر اصلاح خود و خانواده و بندگان خدا هستند.
- سه گروه اول وقتی امر ظهور واقع شود اگر خدا و امام زمان (عج) دستگیری نکنند جزء خوارج زمان خود می‌شوند، مگر دسته چهارم که دائم به فکر امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح خود، خانواده و اجتماع هستند.
۲. قطره باران اگر به لباس شما بیارد از بین می‌رود و اگر به شیشه پنجره بخورد از خود لکه‌ای بر جای می‌گذارد ولی اگر به دریا بیارد دریا می‌شود. لذا می‌توان گفت قطره باران به هرکجا غیر از دریا بخورد یا نابود می‌شود یا سبب زشتی. بدانید، گفتار هم اگر از قول خدا و ائمه (ع) نباشد محکوم به فناست، ولی اگر از قول ایشان باشد هرگز از بین نمی‌رود و برای همیشه ماندگار است.
  ۳. دو چیزند که یا سبب رشد و تعالی انسان می‌شوند یا اینکه او را زمین می‌زنند؛ یکی چشم و دیگری زبان. اگر این دو را بروی گناهان ببندی رشد می‌کنی و اگر آنها را بر معاصی بگشایی تو را نابود می‌کنند.
  ۴. تمام گناهان از چشم و دل بر می‌آیند، بنابراین باید دل را به آنچه چشم می‌بیند مشغول ننمائیم.

۵. خوشا به حال کسی که دعا و عبادتش خالص برای خدا باشد، "خالصاً لوجه الله" باشد. زیرا عمل خالص دست انسان را می‌گیرد و از لغزشها باز می‌دارد، هرچند که به ظاهر کوچک باشد.

۶. عبادت‌ها در روزهای پنجشنبه و جمعه دوبرابر محسوب می‌شوند، یعنی خدا آنها را دوبرابر قبول می‌کند. این از لطف خداست. در واقع فرصتی به ما می‌دهد تا کوتاهی‌ها و کم‌کاری‌های خلال هفته را که به خاطر گرفتاری‌ها مرتکب شده‌ایم جبران نماییم. البته با خواندن چند رکعت نماز مستحبی و گفتن تعدادی ذکر خسته نشوید، چون گناهان هفته خود را که حساب کنید می‌بینید که اگر تمام موهای بدن شما زبان داشته باشد و استغفار کند، بازهم کم است.

۷. مراقب باشید که توبه و ذکر استغفار هم شما را مغرور نکند، چون توفیق توبه و استغفار را هم خودش داده است.

۸. سه "ش" انسان را به ورطه نابودی می‌کشاند :

۱. شکم

۲. شهوت

۳. شیطان

شکم، شهوت را تقویت می‌کند و بعد شیطان بر شهوت پرست غلبه می‌کند.

۹. شبی یک صفحه قرآن را با معنای فارسی‌اش بخوانید و عمل کنید، این افضل است از هزار ختم قرآن که فقط عربی‌اش را بخوانید و معنایش را نفهمید.

۱۰. هرکس به اندازه پولی که در اختیار دارد و نفراتی که زیر دست دارد آزمایش می‌شود و هرچه این پول و نفرات بیشتر باشد، آزمایش الهی سخت‌تر است. و هر که مسئولیتش بیشتر باشد، اگر خوب کار کند ثوابش هم بیشتر است.

۱۱. برای سلامتی خود ارزش قائل شوید. سلامتی دوستان خدا برای خلق خدا مفید است. باید سالم باشید تا بتوانید برای خدا کار کنید. مثلاً همین جلساتی که در هفته برگزار می‌کنید، یکی از کارهای بسیار مهم و ارزشمند است.

۱۲. هر نفسی نمی‌تواند بار خدا را بکشد. نفسهایی می‌توانند بار خدا را بکشند که شجاع و جسور باشند. البته همین فشارهای راه خدا، نفس را مطیع کرده و سرچایش می‌نشانند.
۱۳. از الطاف خفیه الهی است که انسان در نظر خودش خوار باشد، خود کوچک بینی اگر انسان را به یأس نکشاند خوب است.
۱۴. این را بدانید که کسی نمی‌تواند ما را با زور و یا فریب وادار به گناه کند، ابتدا نفس خودمان می‌خواهد. مثلاً اگر ما در کار دنیا با امری موافق نباشیم با همه‌کس، حتی با پدر و مادر و همسر مخالفت می‌کنیم و حتی می‌جنگیم ولی زیر بار نمی‌رویم. ولی در کار عقبی، هر بادی بوزد ما را به این طرف و آن طرف می‌برد.
۱۵. خدائی که خالق رحمت و کرم و عطوفت و مهربانی است، ترس ندارد. آنجا که می‌گوید از من بترس، یعنی اگر می‌خواهی از کسی بترسی و به خاطر ترس از او گناه کنی، از من بترس و نکن.
۱۶. اگر می‌خواهی به خاطر خجالت از کسی کاری را انجام بدهی که خلاف رضای خداست، از خدا خجالت بکش و نکن. اگر می‌خواهی به خاطر خوشحال کردن کسی مرتکب گناه بشوی، خدا را خوشحال کن و مرتکب آن گناه نشو. چرا که خدا سزاوارتر است که بخاطرش کاری را انجام بدهی یا ندهی.
۱۷. اگر کسی گناهی بکند خدا، ملائکه، انبیاء و اولیاء خدا را رنجانده و فقط یک شیطان را خوشحال کرده. ولی اگر به گناهی برسد و چشم‌پوشی کند و انجام ندهد، خدا، یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر، ملائکه و اولیاء را شاد کرده و یک شیطان را از خودش رنجانده.
۱۸. به نماز و روزهات نناز، به ذکر فراوانت نبال. دائم با خدا راز و نیاز کن تا دستت را بگیرد. آخر شبها نیم ساعت از خوابتان بزنید و ذکر و ثنایی بکنید.
۱۹. کمال ایمان، اعتقاد راسخ به ولایت ائمه اطهار (س) است.
۲۰. کسی که امروز نفسش را آزاد گذاشته و به سختی‌ها عادت نمی‌دهد، فردا در فشارها خیلی زود نابود می‌شود و به خطا می‌افتد. نفس انسان باید با عبادات و ریاضت‌های شرعی ادب شود.

۲۱. هرکجا هستید، هرکجا می‌روید، خودتان باشید و سعی کنید مشعل فروزانی برای خدا و امام زمان (عج) باشید. پس رنگ کسی را به خود نگیرید. اگر بخواهید مانند دیگران یا هم‌رنگ آنان بشوید، مثل این است که یک لامپ صد واتی را در لجن فرو کنید. تمام نورش ناگهان تبدیل به ظلمت می‌شود.

۲۲. اینکه ما اینجا دور هم مؤمنیم و آرامیم حساب نیست. اگر از هم جدا شدیم و وارد گروهی شدیم اما مثل آنها نشدیم و روی آنها اثر هم گذاشتیم، درست است. اگر غیر از این باشد به خدا نمی‌رسیم.

۲۳. برای اینکه در مسیر دین نلغزیم باید در رفت و آمدهای روزمره، چند چیز را مدام رعایت کنیم :

۱. از خدا بخواهیم در لحظات حساس آزمایش، دست ما را بگیرد.

۲. اگر جایی می‌خواهیم برویم و نمی‌توانیم بر نفسمان مسلط شویم، نرویم.

۳. حال اگر رفتنمان ضروری بود از خدا و امام زمان (عج) بخواهیم در آنجا که هستیم «خودمان» باشیم. حتی اگر نتوانیم ولی نیتمان اینگونه باشد باز هم خدا دست ما را می‌گیرد.

۲۴. بچه‌ها را بغل می‌کنی و گازش می‌گیری، نهایت لذت را می‌بری ولی او جیغ می‌زند. کسانی که بچه دارند می‌فهمند. بلاهایی هم که خدا به دوستانش می‌دهد همین است، نوعی عشق‌بازی با آنهاست.

۲۵. از خدا بخواهیم همین غذایی را هم که می‌خوریم توان بدهد تا برای خودش کارکنیم.

۲۶. وقتی سگته، پیری و بیماری آمد و در عوض، جوانی، زیبایی و پول رفت همان زن و بچه‌ای که تا به حال قربانت می‌رفتند از بس سرکوفت می‌زنند تو را می‌کشند، چون نداری. هرچه امروز رعایت کنی فرداها راحتی. تمام لذت‌های دنیا با یک سگته تمام می‌شود، با یک تکان، با یک آخ، و این اول بیچارگی است. بنابراین انسان باید سعی کند که خود و خانواده‌اش را در مسیر اسلام تربیت کند.

۲۷. این پول‌هایی که از مالیات، فروش نفت و... به دست آمده و امروز به دست عده‌ای «بی حساب» خرج می‌شود، فردا همه «حساب» دارد. امروز «بی حساب» است و فردا «باحساب».

۲۸. مثل کسانی که در این دنیا به مقام، مسئولیت یا پولی رسیده‌اند، مثل آن شخصی است که در کارخانه‌ای کار می‌کند، صاحب کارخانه به مسافرت می‌رود و کلید کارخانه و پول‌ها را به او می‌سپارد. بعد از یک ماه که برمی‌گردد، شب اول همه آن کارگران با راحتی خیال به خانه‌هایشان می‌روند ولی آن شخص می‌خواهد برود، صاحب کارخانه می‌گوید: تو بمان، بگو بدانم من نبودم تو چه کردی؟ همه رفته‌اند ولی آنکه بار مسئولیت به دوشش بوده نه تنها زحمت‌ها را کشیده، بلکه حالا باید بماند و حساب هم پس بدهد.

۲۹. من همیشه می‌گویم خدایا، به ما بی حساب بده، یعنی در دنیا بی حساب و بی اندازه و در آخرت بی حساب و کتاب.

۳۰. خوبی هرگز تمام نمی‌شود، از جایی سر درمی‌آورد که حتی فکرش را هم نمی‌کنی.

۳۱. مال داشته باش، ثروت داشته باش، اما برای خدا. همه اینها اگر برای خدا باشد جهاد اکبر است.

۳۲. تمام علائم ظهور حضرت (عج) شده. فقط خود ظهور مانده. آن هم یک دلیلش خودمان هستیم که هنوز لیاقتش را نداریم. هنوز «میزان» نشده‌ایم، هنوز آماده نیستیم.

۳۳. ان‌شاءالله جوری باشید که وقتی حضرت صاحب (عج) تشریف می‌آورند، خوشحال بشوید نه اینکه از خجالت ایشان فرار کنید.

۳۴. در آخرالزمان، خونسرد زندگی کردن انسان را زمین می‌زند، لذا هرشب در خانه خدا را بزیند، خطر زمین خوردن زیاد است.

۳۵. این که چه بودیم و چه هستیم مهم نیست. مهم این است که چگونه از دنیا می‌رویم. ان‌شاءالله مؤمن از دنیا برویم.

۳۶. رشته مقدس مآبی از رشته درک و معرفت جداست. مقدس مآب‌ها خیلی خطر زمین خوردن دارند.

۳۷. خلق الله در ثروت خیلی زمین می‌خورند، ولی بدانید که این خطر فقر از ثروت خیلی بیشتر است.

۳۸. تا زمانی که جنگ سوم جهانی نشده و یا حضرت تشریف نیاورده‌اند، هر که راحت و خونسرد زندگی کند در غفلت است.

۳۹. آدم از پائین به بالا برود خوب است. ولی داشته باشد بعد ندار بشود یا بالا باشد بعد پائین بیاید خیلی بد است. این شخص یکی خودش ناراحت است، مردم هم با کنایه صد برابر ناراحتش می‌کنند. پس سعی کنید با چشم و هم‌چشمی زندگی نکنید.

۴۰. ارزش منبرها به این است که اخلاقیات اسلامی و گفتار ائمه (ع) واقعاً به مردم برسد. در غیر این صورت منبر ارزشی ندارد.

۴۱. چهار صفت زشت‌اند که بودن یکی از آنها هم انسان را ذلیل دنیا و آخرت می‌کند: عجب، حرص، کبر و حسد

اشخاص خودخواه دوستی ندارند و متکبر همیشه برای خودش دشمن درست می‌کند.

۴۲. می‌گویند موسیقی بهترین غذای روح است، احکام اسلامی مال بی‌سوادهاست، قرآن و احکام قدیمی است. اگر قدیمی بودن دلیل بی‌ارزش بودن است، خود موسیقی که قدیمی‌تر است. مگر نه اینکه سابقه موسیقی از زمان کورش اکبیر است.

۴۳. در عرض بیست سال انقلاب خیانت‌هایی شده که یکی از آنها یک مملکت را نابود می‌کند، ولی اراده خدا و امام زمان (عج) بر این است که انقلاب اسلامی پایدار بماند.

۴۴. اگر ما کمی نماز را با معرفت بخوانیم، در روز ده بار "ایاک نعبد و ایاک نستعین" را تمرین می‌کنیم. این تمرین‌ها صد در صد موفق می‌شوند. تمرین در خانه خدا شکست ندارد.

۴۵. در مسیر حق انسان هرچه ضعیف‌تر (به لحاظ جسمی) و پیرتر شود قوی‌تر است. اگر کسی در این راه باقی ماند، پایدار خواهد بود. آنان که درست آمده‌اند موفق‌اند.

۴۶. کشتی، فوتبال، ورزش و ... تمام می‌شود ولی راه خدا تمامی ندارد.
۴۷. در خانه خدا خود گم کردن، خود له کردن و خود کوچک بینی روز به روز به عظمت انسان می‌افزاید.
۴۸. در مسیر حق هر کس فکر کرد کسی شده، ذلیل شده.
۴۹. آنان که در راه باطل‌اند، برای رسیدن به هدف تمرین می‌کنند، ما که در راه حقیق چرا تکرار و تمرین نکنیم؟
۵۰. یک یا الله «راست» در دو دنیا کارها می‌کند. انسان را در دو دنیا آقا می‌کند.
۵۱. اگر شصت سال عبادت کردی و باز هم در رعایت احکام موفق نیستی بدان خودت را خسته کرده‌ای، خودت را گول زده‌ای.
۵۲. سه طوفان شمارا احاطه کرده: مرگ، جنگ و ظهور حضرت قائم(عج)  
از خدا بخواهید که در میان این سه طوفان محفوظ بمانید.
۵۳. اهمیت قربانی کردن گوسفند به این است که گوشتش را به مؤمنین و فقرا بخوراند.
۵۴. در قرآن فقط یک آیه در مورد حج آمده آن هم در صورت مستطیع بودن و فقط یک بار در جمیع عمر، در عوض حدود سی آیه در مورد خمس و زکات آمده، ولی طرف وجوهات مالش را نمی‌پردازد در عوض چند بار عمره می‌رود. این هوای نفس است و جز جهنم چیزی عایدش نمی‌شود.
۵۵. شما می‌خواهید به دوستی تلفن بزنید، اگر یک شماره کم یا زیاد بگیرید موفق نمی‌شوید. آن وقت چطور می‌خواهید به خدا برسید در حالیکه احکام را هرطور دلتان می‌خواهد قبول می‌کنید؟
۵۶. ما زمانی جزء شیعیان هستیم که مطیع اهل بیت (ع) باشیم، آن وقت است که خدا ما را برگزیده و به ما سلام رسانده.
۵۷. حدود صد جا در قرآن آمده که «نماز را برپای دارید»، نه اینکه نماز بخوانید. برپا داشتن نماز یعنی اینکه آبروی خدا و رسولش را حفظ کنیم. یعنی نماز خودمان و زن و بچه‌مان را تربیت کند.

۵۸. کسی نمی‌تواند بگوید من قرآن را نمی‌فهمم. خدا عادل‌تر از آن است که کتابی بفرستد که ما آن را نفهمیم و بعد از مرگ ما را به آن مؤاخذه کند.
۵۹. خدا در آیه‌ای از قرآن می‌فرماید: «برپا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را»، نماز چون مفت است تند و تند می‌خوانند ولی به زکات که می‌رسند نمی‌دهند. نمی‌شود آدم یک بخش آیه را قبول کند و یک بخش آن را قبول نداشته باشد.
۶۰. بعد از مرگ، زکات و خرج دادن در راه خدا و امام حسین (ع) ما را از گرفتاری‌ها نجات می‌دهد.
۶۱. کافر یعنی حق‌پوش. یعنی کسی که زیر بار حق نمی‌رود. یعنی کسی که حق را نمی‌گوید.
۶۲. شرک یعنی اینکه کسی حرف دیگری را به خدا ترجیح دهد. اگر کسی حرف کسی را برگفته خدا ترجیح دهد، او را سجده کرده.
۶۳. انسان جز خدا به هر که سجده کند هم خودش را جهنمی کرده و هم او را. چرا که با این کار او را بت کرده و خودش هم بت‌ساز شده است.
۶۴. هر جا دیدی به فرمان زن، شوهر، رئیس، مدیر یا وزیر و غیره حرف خدا را زیر پا می‌گذاری، مشرکی.
۶۵. اگر بخواهید مؤمن باشید مردم با شما نمی‌سازند و مدام به شما نق می‌زنند. دلیلش ذلت و بی‌عرضگی خودشان در امر دین است. ولی شما صبر کنید و مقاوم باشید.
۶۶. اختراع تلویزیون برای مخترعش شاید مسئله‌ای بوده ولی اگر خراب می‌شد، دیگر درست کردنش برایش کاری نداشته. شش میلیارد جمعیت روی زمین‌اند ولی اثر انگشت دو نفر مثل هم نیست. خدا می‌فرماید من از جای سخت تو شروع می‌کنم و تو را دوباره می‌سازم، یعنی از نوک انگشتانت.
۶۷. سبب سلامت جسم چهار چیز است :
۱. خوب خوردن
  ۲. خوب خوابیدن
  ۳. ورزش کردن
  ۴. بهداشت

سبب سلامت روح نیز چهار چیز است :

۱. پندپذیر بودن ۲. پندگوی درونی داشتن ۳. از تنبلی خارج شدن ۴. کوشش کردن و توبه کردن پس از خطا

۶۸. خدا انسان را به چیزهایی که دلش نمی‌خواهد امتحان می‌کند.

۶۹. اگر انسان عمل مستحبی مثل اعتکاف را بر انجام دادن کار مؤمنی ترجیح دهد ارزشی ندارد، چون این عمل اعتکاف بر اساس هوای نفس است.

۷۰. وقتی امام حسین (ع) به جنگ رفتند همراهان امام چهار هزار نفر بودند، ولی آرام آرام نفس و شیطان آنها را از حضرت (ع) جدا کرد. شب عاشورا همراهان هزار و پانصد نفر بودند که اغلب آنها آمده بودند بجنگند و پیروز شوند و هرکدام امارت جایی را ببرند. لذا وقتی حضرت (ع) فرمودند فردا همه کشته می‌شویم، حتی خود من، همه رفتند.

۷۱. ما زندگی سخت‌تر از زن فرعون نداریم. در خانه فرعون، نان‌خور فرعون بود و ایمان به خدا داشت. خدا اینها را قرار داده که بعدها ما نگوئیم که نمی‌شد یا سخت بود و یا موقعیت چنین و چنان بود.

۷۲. موسی (ع) در خانه فرعون با نان کثیف فرعون بزرگ شد. نان حرام ما را کافر نمی‌کند، راهمان را سخت‌تر می‌کند. فشار و گرفتاری‌هایمان را بیشتر می‌کند.

۷۳. خدا در هر زمان، در کل خلق الله یا در جزء آنها حجتی قرار می‌دهد. مانند موسی (ع) و آسیه (س) که در خانه فرعون بزرگ شدند ولی یکی از آنها پیامبر مرسل شد و دیگری یکی از چهار زن مجلله دنیا. اینها برای این است که اگر کسی بگوید بخاطر موقعیت نمی‌شد دین نگهداریم، جواب بدهند چرا اینها کردند و شد؟

۷۴. پول حرام کوری و نابینائی باطن می‌آورد، ولی نمی‌تواند ایمان را از قلب انسان خارج کند.

۷۵. اگر کسی به خدا ایمان بیاورد، مفت از دستش نمی‌دهد. آنکه راحت از دستش می‌دهد اصلاً بدستش نیاورده.

۷۶. برای خدا کار کردن هم خیلی آسان است و هم خیلی سخت. سختی‌اش آنجاست که ما سعی کنیم غیر از او کسی را نبینیم. ولی اگر این طور شد دیگر ادامه راه نه ناراحتی دارد و نه خستگی.

۷۷. ما بچه‌های علی (ع) و حسین (ع) هستیم. ما را دوست می‌دارند، ما را ول نمی‌کنند، مثل بچه مریض که پدر دوستش دارد، به زور او را دکتر می‌برد و به زور داروی تلخ به گلویش می‌ریزد. آنکه با امام حسین (ع) است، امام (ع) هوایشان را دارد، اگر خودش این راه را آمد با عافیت می‌آوردش، ولی اگر با پای خودش نیامد با فشار می‌آوردش.

۷۸. اگر قبول کردی که همه نعمت‌ها و موفقیت‌های تو از جانب خداست، خدا زیادش می‌کند.

۷۹. در زندگی بدون خدا، اولین کسانی که تو را نابود می‌کنند عزیزان تو هستند، مثل همسر و فرزندان و بعد از آنها بدست دیگران می‌افتی. بعد از یک عمر تلاش، پول و ثروت و زیبایی تمام می‌شود و حالا دیگر اول بدبختی است. عزیزان تو دشمنان تو می‌شوند. در حالیکه خدا تعهد کرده مؤمنین را در دو دنیا ذلیل نکند.

۸۰. اگر ما یک روز خدا را یاری کنیم، خدا میلیون‌ها روز ما را یاری می‌کند. (در دنیا و آخرت)

۸۱. زن و بچه اگر اخلاق و ادب ندارند گناه آنها نیست. ما هرچه درو می‌کنیم، کاشت پارسال خودمان است. ما در خانواده اگر آن طور که خدا خواسته است باشیم، بچه‌ها به طور خودکار درست می‌شوند. اصلاً نیازی به گفتن نیست.

۸۲. کسی که در امر دنیا موفق بوده از خودش لیاقت نشان داده است. حال اگر عرضه داشته باشد، در همان کار دنیا برای آخرت هم قدم برمی‌دارد و آنجا را هم آباد می‌کند.

۸۳. نفس انسان ضد خدا خلق شده است. ولی همین نفس سرکش را می‌توان تربیت کرد و ساخت.

۸۴. در زندگی شجاع باشید. یعنی آنچه در مورد کسی در قلب دارید بدون غرض و مرض مطرح کنید، وگرنه آرام آرام در درون شما دیوی می‌شود که این همان صفت بغض است. یا اینکه با کمی فکر و ذکر این خیال بد را رد کنید.
۸۵. خداوند چهره انسان را به گونه‌ای خلق کرده که هرگاه دروغ بگویند و دل و زبانش یکی نباشد، طرف مقابل می‌فهمد. بنابراین وقتی به هم می‌رسید راست بگوئید، چون مرموزی و موزی‌گری باعث ذلت در دنیا و آخرت می‌شود.
۸۶. کسانی را که خداوند انتخاب فرموده، همه جا در میان مردم غریب‌اند، چون مردم با آنها نمی‌سازند.
۸۷. فرعون بچه‌ها و مادران بی‌گناه را کشت و دعوی خدایی کرد، ولی وقتی خداوند در قرآن می‌خواهد او را معرفی کند، اول می‌فرماید مسرف (اسرافکار) بود.
۸۸. وقتی خدا می‌فرماید اسراف نکن، این نیست که خداوند ندار است. بلکه این بکن و نکن‌ها مقدمه کمال ما انسان‌هاست.
۸۹. برادری که در قرآن آمده "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ" با برادری شکمی فرق دارد. برادری شکمی یعنی اینکه از یک شکم به دنیا آمده‌اند ولی بعد خطشان از هم جدا می‌شود. یکی به دنبال دین می‌رود و یکی به دنبال کفر. ارزش این برادری هم به اندازه یک شکم است، یعنی اینکه برای یک وعده شام دور هم جمع می‌شوند. اما آن برادری که در قرآن آمده و صیغه‌اش را هم خدا خوانده است، بوسیله رعایت احکام، شناخت، درک و معرفت حاصل می‌شود.
۹۰. خیلی بد است که انسان بیست سال دورخرمن اهل بیت (ع) بگردد و بعد طلحه بشود یا زبیر. نباشد که مزد کارهایمان را در همین دنیا به ما بدهند. ان شاء الله کاری بکنیم که مزد اعمالمان را بعد از مرگ به ما بدهند.
۹۱. جمال، و کمال و نیروی همدیگر باشید. خلاف‌ها، اشتباهات و کاستی‌های همدیگر را با اخلاق به هم بگوئید. مثل آینه، نه کم و نه زیاد.
۹۲. به واسطه دوستی با خدا، مردم شما را قبول دارند و روی شما هم حساب باز می‌کنند. ولی این نباشد که شما هم هر کار دلتان خواست بکنید. بلکه ورع داشته باشید تا خدا عزتتان را زیاد کند.

۹۳. اینکه خدا می‌فرماید شما را می‌زنم، این طور نیست که انگشت بیاندازد و چشم شما را در بیاورد، بلکه توفیق کار خوب را از شما می‌گیرد.

۹۴. ما همه در زمان نادانی بوسیلهٔ همین نادانی دانا شدیم. آن روز که نادان بودیم تواضع داشتیم و پیوسته دعا و توسل کردیم تا به ما دانائی دادند. ثروت و شخصیت را هم به همین صورت یافتیم. حالا نشود که بوسیله دانائی، شخصیت و ثروت، دانایی و شخصیت و ثروت را از دست بدهیم، یعنی بوسیله عجب.

۹۵. همیشه از خدا بخواهید هر چیزی که می‌خواهد ما را از او و اهل بیت (ع) جدا کند از ما بگیرد.

۹۶. زمانی امام معصوم (ع) فرموده: شرک در امت ما هست، اما مثل رد پای مورچه روی سنگ سیاه در شب تاریک، که تشخیص تا این حد مشکل است. اما امروز دیگر از مورچه گذشته، امروز شرک مثل گاو و گوسفند دیده می‌شود ولی طرف آن را در آغوش می‌گیرد تا روزگارش بگذرد. چقدر زشت است که انسان برای گذران روزی هر گاه به کفر برسد آن را قبول کند.

۹۷. مبارزه با زشتی‌ها بطور مستقیم و علنی غلط است، مگر بوسیلهٔ امام زمان (عج). ما باید با رفتار و کردارمان امر به معروف کنیم.

۹۸. اگر انسان خلاقی را ببیند و از درون موافق باشد کافر است، ولو خودش انجام ندهد.

۹۹. ما با مشرک، منافق، خلافتکار و ... در کارخانه و اداره کار می‌کنیم یا در یک اتاق زندگی می‌کنیم و در ظاهر امر هم با او هستیم، ولی باید قلبمان با او نباشد.

۱۰۰. شمشیرهایی که طلحه‌ها و زبیرها زدند به درد اسلام خورد ولی به درد خودشان نخورد، چون درونشان مخالف خط خدا بود. آنها فقط بارکش اسلام بودند.

۱۰۱. روزگار به گونه‌ای است که همه ما تا زنده هستیم در کارگاه یا اداره یا مسافرت‌ها با کسانی طرف هستیم و داد و ستد می‌کنیم که ممکن است دشمن خدا باشند. ولی بدانید که تا آخرین نفس در همه این موارد در امتحان هستیم.

۱۰۲. اینکه می‌گویند مؤمن باید زبان خود را حفظ کند یک معنایش این است :  
 ”حالا که حقایق را فهمیدی سکوت کن”، نه به این معنی که خلاف اطرافیان را  
 گوشزد نکنیم. بلکه با کسی که زیر بار حرف حق نمی‌رود، نجنگیم.
۱۰۳. به تک‌تک همدیگر خدمت کنید، کمک کنید تا خدا سربرنگاه به تک‌تک شما  
 کمک کند.
۱۰۴. ما هیچ امضایی نداریم که از اطرافیان رسول خدا (ص) و علی (ع) بهتریم.  
 بسیاری از آنان به خاطر هوای نفسشان زمین خوردند. الآن زمان رسول خدا (ص)  
 نیست که معلوم شود طرفدار پیامبر (ص) هستیم یا ابوسفیان و زمان  
 امیرالمؤمنین (ع) هم نیست که معلوم بشود طرفدار علی (ع) هستیم یا معاویه و  
 همین طور طرفدار یزید یا امام حسین (ع). بنابراین ما باید متوجه و مراقب باشیم  
 و دست از دعا و توسل برداریم تا آنها دست ما را بگیرند.
۱۰۵. امر به معروف بکنید ولی به پر و پای کسی نیچید. حتی اگر می‌بینید برایتان  
 مشکل ایجاد می‌شود تقیه هم بکنید.
۱۰۶. شترسواری دولا دولا نمی‌شود، خدا و خرما با هم نمی‌شود، دینداری با  
 بی‌اخلاقی و بی‌ادبی و گناه نمی‌شود.
۱۰۷. عاقبت به خیری یک شرط اساسی دارد، آن هم تلاش و کوشش است. وگرنه  
 این تنبلی شماست، چرا که خدا جاده را برای شما باز کرده.
۱۰۸. غیر مؤمنین و خلافکاران خودشان می‌دانند که باطل‌اند ولی در راهشان قرص و  
 محکم‌اند. شما که مؤمنید و پشتیبان خدا، قرآن، رسول الله (ص) و ائمه (ع)  
 هستید چرا قرص و محکم نباشید؟
۱۰۹. اگر مؤمن باشید و مردم بخواهند در خط شما بیایند، برای آنان چراغ هدایت  
 می‌شوید و اگر مؤمن باشید و مردم نخواهند در خط شما بیایند، برای آنها حجت  
 می‌شوید.
۱۱۰. هرگاه خدا تورا جایی می‌فرستد یا با کسی فامیل می‌کند برای این نیست که  
 توهم مانند آنها بشوی، بلکه برای آن است که تو برای آنان یا حجت بشوی یا  
 چراغ هدایت.

۱۱۱. شما را مدام از بالا می‌آزمایند ولی وقتی می‌بینند که عمل، دیگر محلتان نمی‌گذارند.

۱۱۲. خیلی بد است که دیگران به وسیله من و شما زیبا شوند، اما ما به خاطر نداشتن تواضع و داشتن عجب زشت بشویم.

۱۱۳. اگر می‌پندارید عاقلید پس بدانید: عقل آن است که به وسیله آن خیر و شر را از هم تشخیص دهیم. خیر آن است که خدا و رسول (ص) امر فرموده باشند و شر آن است که خدا و رسول نهی فرموده باشند.

۱۱۴. کور مشعله‌دار نباشید. آن طور که دیگران از نور شما راه بیابند، ولی خودتان در جاه و چاله بیفتید.

۱۱۵. مردم شما را معدن علم و کمالات می‌دانند. این خیلی زشت است که آنها به وسیله شما صاحب اخلاقیات خوب شده و کمال بیابند و شما روز به روز با این خیال که دیگر همه چیز را می‌دانید، دچار عجب شده و زشت شوید.

۱۱۶. من اگر صلاح باشد به صورت شما سیلی می‌زنم تا شما را از خواب غفلت بیدار کنم. تا شما را به آن مقام برسانم که دلیل و مطیع امام زمان (ع) باشید.

۱۱۷. شماها در دستگاه ولایت و معنویت خیس خورده‌اید. مثل شما مثل آب زلالی است که رویش را خاشاک و خزه پوشانیده و با یک اشاره خار و خاشاکتان کنار می‌رود.

۱۱۸. بارکش اسلام باشید به شرط آنکه به درد خودتان هم بخورد، نه مانند اسبی که بارش جواهر است ولی خوراکش فقط یک کفه جو.

۱۱۹. تو باید در رعایت حرام و حلال، نجس و پاکی خودت را خسته کنی. آنقدر که به او نشان بدهی که از حرام و نجاست بدت می‌آید. خدا هم آنوقت به قصد تو نگاه می‌کند و حتی در عین نجاست، پاک قبولت می‌کند.

۱۲۰. ما را حتماً آزمایش می‌کنند تا نشان بدهند این همه کار که کرده‌ایم برای که بوده. برای هوای نفس بوده یا برای خدا؟ چرا که خدا خیلی رند و زرنگ است و فریب اعمال ریاکارانه را نمی‌خورد و با یک امتحان به ما ثابت می‌کند تا خودمان هم حقیقت اعمالمان را بدانیم.

۱۲۱. کارهای ما اگر خالصاً برای خدا باشد دست ما را می‌گیرد و نمی‌گذارد زمین بخوریم. لذا هنگام اذان که وقت استجابت دعاست بگوئید: خدایا عنایت کن که کارهای ما برای تو باشد.

۱۲۲. انتظار فرج امام زمان (عج) این نیست که فقط یا ابن‌الحسن بگوئیم یا به عشق او گریه کنیم و یا شمشیر بخریم و از دیوار خانه‌مان آویزان کنیم. از همه مهم‌تر این است که کارها برای ایشان باشد، مورد رضایت ایشان باشد.

۱۲۳. هرگاه کارهای برای رضای خدا باشد، نه تشویق دیگران انسان را خوشحال و از خود راضی می‌کند و نه تکذیب مردم انسان را ناراحت و مأیوس می‌کند.

۱۲۴. یکی از نشانه‌های ریا این است که انسان در جلوت محکم و در خلوت تنبل است. در زمان خلوت یا عصبانیت و ناراحتی بین در کارهای عبادی چگونه‌ای.

۱۲۵. یادمان باشد که ریا درجه‌ای از شرک است.

۱۲۶. تو که هنوز خدا را نیافته‌ای و کارهایت برای رضای این و آن است، چگونه می‌خواهی امام زمان (عج) را یاری کنی؟

۱۲۷. اینکه می‌گویند هرکس خودش را شناخت خدا را شناخته به دو معناست: یکی اینکه در خلقت خودت مطالعه کنی و ببینی خدا در وجود تو چه کرده. دیگر اینکه هر کار که می‌کنیم یا نمی‌کنیم، بدانیم که خدا خواسته یا نغسما.

۱۲۸. ما حتی اگر هدفمان را به جای خدا به امام زمان (عج) معطوف کنیم از ایشان می‌بریم. ما امام زمان (عج) را هم به خاطر خدا دوست داریم. خود ایشان هم که تشریف می‌آورند برای خدا کار می‌کنند. ما نیز باید برای خدا کار کنیم.

۱۲۹. حضور در کلاسهای اخلاق و عرفان به تنهایی شما را زیبا نمی‌کند، بلکه عملی که می‌کنید شما را زیبا می‌کند.

۱۳۰. احسان کردن اگر صدشاخه داشته باشد، یکی احسان با پول است. نود و نه تایی دیگر آن یاری کردن همدیگر، امر به معروف و نهی از منکر و ... است.

۱۳۱. کارهایی که برای خدا انجام می‌دهید بلاها و گرفتاری‌ها را از شما دور کند، مثلاً جلسه‌ای دارید که کلاً پنج ساعت طول می‌کشد، ولی خدا در ازای آن هزاران ساعت بلا و گرفتاری را از شما دور می‌کند.

۱۳۲. امروز که جوانی و زور داری و می‌توانی خلاف کنی ولی جلوی نفست را می‌گیری و نمی‌کنی، تو انسان بردباری هستی. معنای بردباری همین است.

۱۳۳. دانش بدون اراده و کوشش فایده‌ای ندارد. چون عمل به دانش است که ارزش دارد.

۱۳۴. ما باید درونمان را از کدورت و کینه تمیز کنیم. اگر انسان با کسی کدورت و ناراحتی نداشته باشد، خودش راحت‌تر است.

۱۳۵. کسانی را می‌بینم که دائم به ظاهر خود می‌رسند، عطر می‌زنند و مو شانه می‌کنند. ولی من آنها را زشت و متعفن می‌بینم. چون درونشان را از کتافات تمیز نکرده‌اند.

۱۳۶. نه درگناه بی تفاوت باشید و نه هنگام تذکر و امر به معروف کسی را خرد کنید.

۱۳۷. در طول تاریخ اسلام جمعی بارکش دین بوده‌اند، یعنی تا زمانی که اسلام نیاز به شمشیرداشت جنگیدند و اسلام را به اهلسر رساندند ولی خودشان بی‌بهره ماندند. مانند طلحه‌ها و زبیره‌ها.

۱۳۸. مثل بارکشان دین مثل الاغ بارکشی است که از صبح تا شب جان می‌کند و گندم و برنج می‌کشد، ولی شب که شد غذای خودش یک کفه کاه خشک است. البته اگر کارهایمان برای رضای خدا باشد دیگر بارکش اسلام نیستیم. به شرط آنکه دینمان برای مردم نباشد و منتظر تشکر کسی هم نباشیم.

۱۳۹. باعث ترقی بشریت شش جمله است:

۱. توکل به خدا

۲. پشتکار و کوشش

۳. صبر داشتن

۴. مشکلات را آسان گرفتن

۵. دنیا را با همه زیبایی‌هایش کوچک گرفتن

۶. با سختی‌های روزگار سازش کردن

۱۴۰. میوه درخت توکل، قطع امید از مردم است.

۱۴۱. میوه ترس از خداوند، نترسیدن از مردم است.

۱۴۲. میوه یقین، اخلاص در کارهاست.
۱۴۳. میوه اختلاف با مردم، گرفتاری فراوان، بدبختی‌های گوناگون و در پی آن داخل شدن به دوزخ است.
۱۴۴. میوه گذشت و نیکی به مردم، عزت و بزرگواری در میان مردم، عزیز شدن نزد خدای تعالی و وارد بهشت شدن است.
۱۴۵. میوه خودبینی، تکبر و لجبازی، خواری در دو دنیا، شکست در تمام کارها و ذلیل شدن است.
۱۴۶. میوه محبت و خوش اخلاقی با مردم، دوست فراوان داشتن، عزت زیاد و عاقبت به خیر شدن است.
۱۴۷. آیه ۴ به بعد سوره واقعه مربوط به زمان ظهور است. می‌گوید آنان که مظلوم و تحقیر شده بودند بالا می‌آیند، یعنی مؤمنین.
۱۴۸. فقر، بلا و گرفتاری‌های مختلف گریبان مردم را گرفته است. البته همه اینها امتحان است. همه به طرق مختلف امتحان می‌شوند، مثلاً یک کاره‌ای می‌شوی و بعد ده حرام جلوی پایت می‌گذارند، تا خودت بینی طرفدار خدایی یا طرفدار حرام.
۱۴۹. خداوند چند چیز را در چند چیز پنهان کرده، مثلاً مؤمنین را در بین مردم پنهان کرده و عبادات را در میان همدیگر. تمام آنهایی که به دعایشان ملتی را نگه می‌دارند، در میان خلق الله پوشیده‌اند. مثلاً هفتاد پیامبر در زمان حیات لقمان از ایشان درس می‌گرفتند. دوتای آنها سلیمان (ع) و داود (ع) بودند که هر دو پیامبر داری کتاب بودند. یا در زمان موسی (ع) مردم باران می‌خواستند، خداوند حضرت موسی (ع) را نزد یکی از مؤمنین بنی اسرائیل فرستاد تا او دعا کند و باران بیاید. الآن هم همینطور است. مؤمنین طاق در میان مردم پنهان‌اند. در مورد اینکه خداوند عبادات را در هم پنهان نموده نیز باید بگویم که معلوم نیست کدام عبادات ما جا می‌افتد و خدا قبول می‌کند. توهم درهم عبادت کن و برو جلو. به قبول شدنش هم کار نداشته باش.

۱۵۰. ذکر، فقط "سبحان الله" گفتن و یا تسبیح گرداندن و پیس پیس کردن نیست. ذکر یعنی یاد، یاد خدا. یعنی هرگاه کار خلافی پیش بیاید برای رضای خدا انجام ندهی. یا اینکه اگر بخواهی کار خوبی بکنی، تنبلی نکنی. این یعنی یاد خدا بودن.
۱۵۱. یاد خدا انسان را از همه خلافها بازمی‌دارد. تا زمانی که انسان به یاد خداست گناه نمی‌کند، ولی وقتی انسان غافل شد همه کار می‌کند.
۱۵۲. انسان اگر در حال ارتکاب به گناه باشد، حتی اگر یک بچه چهار پنج ساله ناگهان وارد شود، خجالت می‌کشد و دست از آن گناه برمی‌دارد. نعوذ بالله خدا را به اندازه یک کودک ببینید و جلوی گناه نکنید. بدانید که خدا بصیر است و دارد می‌بیند.
۱۵۳. وقتی زلیخا می‌خواست از یوسف کامجویی کند، صورتک بتی روی طاقچه بود، زلیخا رفت و یک تکه پارچه روی آن صورتک انداخت. یوسف پرسید: چرا روی آن را پوشاندی؟ زلیخا گفت: می‌خواهم خدا نبیند. زلیخا حاضر نبود جلوی یک تکه سنگ معصیت کند، چون فکر می‌کرد می‌بیند. حالا ما هم باید بدانیم که خدای عظیم‌الشان واقعاً می‌بیند و هیچ‌طوری هم نمی‌توان جلوی دیده‌اش را گرفت.
۱۵۴. انسان بخیل همه چیز را فقط برای خودش می‌خواهد؛ سلامت، پول، آرامش. درحالیکه آرامش و روزی در احسان به خلق است.
۱۵۵. خدا گره از کار محسنین می‌گشاید. خود علاقه‌مندی و دوست داشتن یکدیگر اتوماتیک انسان را از بلا دیدن نکه می‌دارد.
۱۵۶. زکات، اموال شما را بیمه می‌کند. بعضی‌ها فکر می‌کنند اگر وجوهات مالشان را بدهند و مالشان را حلال کنند فقیر می‌شوند. نه والله، خدا برکت می‌دهد و نمی‌گذارد فقیر شوی.
۱۵۷. اسلام یعنی تسلیم. یعنی اینکه شخص در مقابل خدا و رسول (ص) و فرزندان رسول (ع) تسلیم باشد. چنین شخصی مسلمان است و اسلام دارد، و گرنه ول معطل است.
۱۵۸. قبول کن، که هرکس هرچه دارد مال خودش! نه حسادت کن، نه بخل کن و نه امید داشته باش. توهم از خدا بخواه.

۱۵۹. انسان اگر صدها نقشه بد بکشد هیچ کدام نمی‌گیرد، بلکه پاپیچ خودش هم می‌شود. چون آخرش هر چه اراده خدا باشد همان می‌شود. در عوض هر چه خیر بخواهد به خودش برمی‌گردد.

۱۶۰. وقتی می‌فرمایند: «خدا روزی دهد او را از جایی که گمان نبرد» منظور این نیست که انسان برود بخواهد تا خدا از سقف برایش بیندازد. سرکارت برو با امید و توکل به خداوند. کارت را برای رضای خدا انجام بده و فکر نکن که با حقّه و کلّک می‌توانی روزیت را زیاد کنی.

۱۶۱. خدا که شما را اشرف مخلوقات قرار داده و به همان نسبت هم از شما می‌خواهد و توقع دارد. ضمن اینکه عقل و درک و معرفت لازم را هم به شما داده. فقط باید تربیت این عقل بشود. چون به قول مولا علی (ع): «هرچیز محتاج عقل است و عقل محتاج ادب»

۱۶۲. وقتی در قرآن می‌خوانید: «آماده کرده است خدا برای ایشان عذابی دردناک...» والله راست است. خدا با کسی شوخی ندارد. او خالق رحم و آقایی و بزرگی است. همه رحم و عطوفتی که در دنیاست قطره‌ای از آن دریاست که در نزد خداست ولی همین خدای مهربان رحیم کریم دارد این جمله را در قرآن می‌گوید. پس عذاب خدا را جدی بگیرید.

۱۶۳. کسی که صبح از خانه خارج می‌شود و فقط فکر خودش باشد جامعه را آزار می‌دهد؛ کاسب باشد، دکتر باشد، راننده باشد یا هر شغل دیگری که داشته باشد جز جنایت کار دیگری نمی‌کند. توهم که اذیت می‌شوی به دیگران اذیت می‌کنی، این طور است که دنیا می‌شود جهنم.

۱۶۴. زن، شوهر را حفظ کند. شوهر، زن را حفظ کند. زن و شوهر بچه‌ها را و خانواده و فامیل را. این طوری جامعه اصلاح می‌شود. اصلاح باید از خانواده شروع شود.

۱۶۵. آیات قرآن و گفتار اهل بیت (ع) برای کسانی است که قلب سلیم داشته باشد، قلبشان مریض نباشد. کسانی که قلبشان مریض است اگر رسول خدا (ص) بیایند و با آمپول خوبی را به آنها تزریق کنند، آنها باز هم کار خودشان را می‌کنند.

۱۶۶. اگر بچه تصادفاً آینه را شکست یا خانم اشتباهاً بشقابی را شکست چرا خشمگین می‌شوی؟ این طور چیزها که خشم ندارد. خشم تو باید زمانی باشد که حلالی حرام یا حرامی حلال بشود. آن وقت است که اگر مانند پلنگ تیرخورده غضبناک بشوی جا دارد.

۱۶۷. دو چیز نمی‌گذارد انسان به جایی برسد: یکی غفلت و دیگری اینکه احساس کند خودش می‌تواند خودش را درست کند. یادمان باشد، ما نمی‌توانیم خودمان را درست کنیم، بلکه باید دائم توکل بر خدا و توسل به ائمه اطهار (ع) داشته باشیم.

۱۶۸. فردا اگر کاری به دستت دادند مواظب باش خودت را گم نکنی. مثلاً اگر به تو گفتند شهردار، کل شهر که نمی‌آید توی جیب تو! تو هم مثل یک گنجشک که در این شهر می‌پرد، در یک خیابان راه می‌روی. ولی اگر مؤمن شدی و مطیع حق گشتی، خدا وارد قلبت می‌شود و دیگر تمام عالم برایت کوچک است.

۱۶۹. اویس قرنی حتی یک بار هم رسول خدا (ص) را ندید، ولی مطیع و عاشق ایشان بود. من احادیثی از قول رسول الله (ص) در مورد ایشان دیده‌ام که در مورد هیچ‌یک از اصحاب صادر نشده است. اویس بعد از مرگ مادرش آمد در رکاب حضرت علی (ع) و در جنگ صفین شهید شد. او با کسانی می‌جنگید که زمانی پشت سر رسول الله (ص) نماز می‌خواندند، ولی فریب این ظاهرسازی‌ها را نخورد.

۱۷۰. اینکه رسول الله (ص) می‌فرمایند بپرهیزید از گناهان کوچک، به این علت است که گناه بزرگ را چون بزرگ است می‌ترسی دنبالش بروی، ولی گناه کوچک را چون کوچک است به شمار نمی‌آوری و انجام می‌دهی. هزار گناه می‌کنی ولی یک بار هم استغفار نمی‌کنی، ببین روی هم چقدر تلنبار می‌شوند. اینها برایت ذخیره می‌شوند. حال اگر مؤمن باشی با بلا و گرفتاری و بدبختی پاکت می‌کنند و اگر غیر از این باشی که در دو دنیا بدبختی.

۱۷۱. خدا مقامی برای مؤمنین در بهشت قرار داده که با نماز و روزه به آن نمی‌رسند. راه رسیدن به آن یکی داشتن درد دین است و دیگری هم تحمل نق و نوق‌های اطرافیان و مخالفان.

۱۷۲. درد دین یعنی غم و اندوه اینکه چرا حلال خدا حرام یا حرام خدا حلال شد.

۱۷۳. اگر خود رسول الله (ص) سر بلند کند و بگوید من از این کارهایی که به مناسبت و به بهانه تولد من انجام می‌دهید بیزارم، می‌زنند ایشان را می‌کشند.
۱۷۴. انسان جاهل در هر دوره‌ای با این بهانه که امروز دیگر زمانه عوض شده، دوست داشته چشم و گوش و قلبش آزاد باشد. همیشه هم خدا پیامبران را فرستاده تا با آنها مقابله کنند.
۱۷۵. این دوربین هر جلسه از مراسم ما فیلم می‌گیرد. من هروقت این فیلم‌ها را نگاه می‌کنم، یاد قیامت خودمان می‌افتم. مثلاً در این فیلمها می‌بینم که کسی دارد خمیازه می‌کشد یا چرت می‌زند و یا کار دیگری می‌کند ولی خودش حواسش نیست. اگر این فیلم را به او نشان بدهند چقدر خجالت می‌کشد؟ ما فردا گرفتار گناهی هستیم که فکرش را هم نمی‌کنیم.
۱۷۶. می‌گویند از خدا بترسید یا از خدا خجالت بکشید، راستش من ترسیدن از خدا را خیلی بد می‌دانم. آخر خدای به این آقایی و خوبی که ترس ندارد. خجالت از خدا هم جالب نیست. مؤمن حقیقی اگر کاری انجام می‌دهد یا نمی‌دهد به عشق خود خداست، نه از ترس یا خجالت.
۱۷۷. اخیراً یک خارجی لامذهب گفته بود که می‌خواهد در ایران زلزله بیاید، مردم ترسیدند و از شهر خارج شدند. پس کو؟ چرا نیامد؟ زشت نیست که حرف یک بی‌دین نجس را این قدر سخت قبول می‌کنی ولی وعده‌های خدا را که همگی حق است باور نمی‌کنی و زیر بار نمی‌روی؟
۱۷۸. با صورت تیغ انداختن، دندان عاریه‌ای یا مو رنگ کردن جوان نمی‌شوی. دیگر تمام شد، مرگ بغل گوش توست ولی نمی‌خواهی قبول کنی.
۱۷۹. می‌فرمایند: «با دشمن دوست دوست نشو» باید بدانید که بهترین دوست ما خداست. اگر ما با اهل دنیا و شهوت و قمار و غیره رفاقت کنیم، دشمن خدا می‌شویم.
۱۸۰. انسان برای اینکه به کمال برسد دو چیز لازم دارد: یکی مریی خوب و دیگری معرفت نفس.

۱۸۱. کسی که خود را شناخت حتماً پی به خدا می‌برد. و هر که مولا را شناخت دیگر با کمال میل او را می‌پرستد، نه از روی ترس و خجالت.

۱۸۲. کسی که در کوچه معرفت افتاد خدا را خواهد یافت، بدون تردید برای این گونه افراد ننگ است که برای مزد و حوری و بهشت عبادت کنند. پس باید از خدا معرفت بخواهیم.

۱۸۳. شلوارت هرچقدر هم که ارزان باشد با آن وارد جوی آب کثیف نمی‌شوی، چون قدرش را می‌دانی. همچنین انسانی که خود را بشناسد، خودش را ارزان نمی‌بازد.

۱۸۴. خدا به تو دو دست داده که با یکی کار خودت را انجام بدهی و با دیگری کار خلق الله را. نه اینکه با یک دست یقۀ مردم را بگیری و با دیگری بزنی به چانه‌اش.

۱۸۵. معصوم (ع) فرموده‌اند: «ممکن نیست مؤمن سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد.» یادتان باشد گرسنه اخلاق بیشتر از گرسنه غذا و یتیم علم بیش از یتیم پدر و مادر وجود دارد.

۱۸۶. امر به معروف و نهی از منکر یکی با گفتن است و نود و نه تای آن با رفتار.

۱۸۷. اینکه معصوم (ع) فرموده‌اند: «اگر کسی بنده‌ای را بپوشاند خدا در قیامت او را می‌پوشاند» یعنی عیب برادر دینی‌ات را بپوشان، تا خدا در قیامت عیبت را بپوشاند.

۱۸۸. بهترین راه امر به معروف و نهی از منکر این است که هر زشتی را که می‌خواهیم به دیگران گوشزد کنیم خودمان انجام ندهیم. انسانی که این گونه به خودش رفتار می‌کند خوب می‌شود، همه دوستش دارند و حرفش را گوش می‌کنند.

۱۸۹. بعضی از انسانها مگس صفت‌اند. مگس فقط پلیدی‌ها را می‌بیند. طرف حمام رفته و تمیز بیرون می‌آید، حال اگر به اندازه سر سوزنی پشت دستش تمیز نباشد، مگس می‌رود و درست همان جا می‌نشیند و آن کثیفی را نشان می‌دهد. بعضی از مردم عادت دارند فقط عیب دیگران را ببینند و به خوبی‌هایشان کاری ندارند. این یعنی مگس صفتی.

۱۹۰. علم حقیقی تسلیم در برابر خداست. شیطان اول عالم بود ولی علمش نجاتش نداد، چون تسلیم نبود.

۱۹۱. قم بروید و عبادت پنجاه سال را قیمت کنید، می‌شود حدود چند میلیون تومان. این بهای پنجاه سال عبادت توست، که با آن یک اتاق خشت و گلی هم نمی‌توانی بخری. ولی اینکه خدا آن قدر در بهشت مزد می‌دهد که می‌توانی تمام اهل دنیا را میهمان کنی و نه جا کم می‌آوری، نه غذا و نه خدمتکار، به این دلیل است که نق و نوق‌های اطرافیان و مخالفان را تحمل می‌کنی.

۱۹۲. بین انسان باریک‌بین و انسان عیب‌جو و خرده‌گیر تفاوت است. انسان باریک‌بین خوب و بد را می‌بیند و خوبش را انتخاب می‌کند. ولی انسان عیب‌جو بخاطر روحیه مگس‌صفتی که دارد فقط به دنبال زشتی‌های مردم است.

۱۹۳. در اینکه می‌فرمایند: «در امانت‌ها خیانت نکنید» باید بدانید که زن امانت است در دست شوهر، شوهر امانت است در دست زن، بچه امانت است در دست هردو و دین خدا امانت است در دست همه. مراقب باشید به یکدیگر و به دین خدا خیانت نکنید. مثلاً اگر کسی در خانواده خلافی ببیند و تذکر ندهد به آنها خیانت کرده است.

۱۹۴. انسان به واسطه بعضی گناهان از روزی محروم می‌شود - بماند که امروزه دیگر گناه عمومی شده - روزی فقط داشتن پول نیست. وقتی خدا معیشت را تنگ می‌کند نمی‌توان مقابله کرد. مثلاً شخص برای خرید آمپول دانه‌ای ۱۵ هزار تومان، پول دارد، ولی گیرش نمی‌آید. یا اینکه بالعکس دارو هست، ولی پول خریدش را ندارد، چون خیلی گران است.

۱۹۵. چند چیز است که به علت وفور و زیادی‌شان آنها را نمی‌بینیم و یا اهمیت نمی‌دهیم:

۱. آب

۲. نور

۳. لطف و کرم و آقایی خدا

۱۹۶. قلب جای خداست، کسی که بخواهد خدا وارد قلبش بشود باید مزاحمین را از قلبش بیرون کند. باید بغض، حرص، حسد، بخل، نفاق، کینه، غضب و تکبر را از خانه دل بیرون کند.

۱۹۷. اصول دین در حقیقت شش تاست نه پنج تا. و اصلش هم یقین است. اگر یقین نباشد، آن پنج تای دیگر به درد نمی خورد.

۱۹۸. یقین به راحتی به دست نمی آید. به وسیله ریاضت های شرعی، تربیت نفس و از همه مهم تر توسل به خدا و اهل بیت به دست می آید. بهترین راه ریاضت شرعی و تربیت نفس هم یک راه است؛ اینکه آری خدا آری و نه خدا نه باشد.

۱۹۹. عمل اگر همراه با علم و معرفت باشد کمش هم زیاد است، مثلاً کسی که اخلاق نیکو داشته باشد، خوابیده است ولی برایش نماز شب و عبادت می نویسد. انسان اگر هفتاد سال نماز و روزه و حج به جای آورد ولی از روی معرفت اسلامی نباشد، دستش خالی است.

۲۰۰. فقر جهانی، زلزله، سیل و خشکسالی خلائق را احاطه کرده. اینها همه مقدمات ظهور است و مقدمه به خاک مالیده شدن پوزه متکبران. بعضی از کشورها که تا حالا حرف اول اقتصاد را می زدند، حالا به گدایی افتاده اند.

۲۰۱. والله تمام بیچارگی ملت برای این است که هر کس به بالادست خود می نگرد. هر نوع جنایتی می کند تا سطح زندگی را بالا ببرد، تا آن طور که دلش می خواهد زندگی کند. در حالی که عزت و ذلت فقط به دست خداست و آخرش هم بیش از آنچه خدا مقرر کرده به کسی نمی رسد.

۲۰۲. اینکه رسول خدا (ص) فرموده اند: حسد اعمال نیک را می خورد، باید بگویم به این خاطر است که اولاً خود حسد ذاتاً کثیف است، ثانیاً باعث گناهان بزرگ دیگری مثل تهمت، غیبت و غیره نیز می شود. خطاهایی که شخص پشت سر مردم انجام می دهد، علتش حسادت است.

۲۰۳. خانه کعبه عظمتش به این خاطر است که زایشگاه و گهواره علی (ع) است. تمام پیشرفت اسلام به واسطه ایشان بوده و عاقبت هم در خانه خدا شهید شد. وقتی که گفته شد علی (ع) در مسجد و محراب شهید شد مردم می گفتند مگر

علی نماز هم می خواند؟ تبلیغات همین نمازخوان های حسود مولا را اینگونه خانه نشین و مظلوم کرده بود.

۲۰۴. یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر منهای یکی (پیامبر اسلام) آمدند که حضرت محمد (ص) را معرفی کنند و حضرت محمد(ص) نیز آمده بود که علی(ع) را معرفی کند. بطوری که خدا می فرماید اگر معرفی نکنی گویی تبلیغ رسالت نکرده ای. حال وقتی که رسول الله(ص) حضرت علی(ع) را معرفی کرد، خدا می فرماید امروز دینتان را کامل کردم.

۲۰۵. خدا زیباست و زیبایی را هم دوست دارد. آن زیبایی که خدا برای ما می پسندد زیبایی درونی است. تو درونت را زیبا کن، بیرون تو خودبه خود زیبا می شود.

۲۰۶. سبب ورود آدمی به دوزخ عمدتاً دو چیز است، یکی دهان و دیگری فرج. دهان به علت اینکه شخص هر چیزی را که دلش می خواهد (غیبت، تهمت و ...) می گوید و هر چیزی را هم که دلش می خواهد می خورد. و از آنجا که شکم شهوت را به حرکت درمی آورد و شهوت هم شیطان را مسلط می کند، لذا گناه فرج پیش می آید و انسان را راهی دوزخ می کند.

۲۰۷. معصوم(ع) فرموده اند: «از چشم بد به خدا پناه ببرید، که انسان را وارد آتش می کند.» در واقع دو نوع چشم بد وجود دارد: یکی چشمی که به ناموس مردم نگاه می کند و دیگری چشمی که دائماً به زندگی مردم می نگرد و می گوید از کجا آورده است؟ و او هم سعی می کند از هر راهی به دست آورد. البته با ذکرهایی مثل صلوات و توسل به ائمه اطهار (ع) می توان چشم را پاک نمود.

۲۰۸. این پُست ها، گُرسی ها، پولها و تکبرها طولش (طول عمرش) خیلی کم است، دو سال یا چند سال. ولی عرضش زیاد است. عرضش به اندازه ای است که تا خدا خدایی می کند، شخص خطاکار در آتش اعمالش گرفتار است.

۲۰۹. برای فرزندانان ارزش قائل شوید و مراقب رفتارشان باشید تا در راه خدا تربیت شوند. دوتا مرغ می خری و به خانه می بری پایشان را می بندی و دائم مراقبی که از خانه بیرون نروند و گم نشوند. آیا بچه های تو از مرغ و خروس هم پست ترند، که هیچ کاری به رفت و آمدشان نداری؟

۲۱۰. از خانه که خارج می‌شوی سعی کن چشمت آزاد نباشد، وقتی چشم دید، دل هم می‌خواهد. این طور انسان به خطا می‌افتد. رسول‌الله (ص) می‌فرمایند: «دنیا زندان مؤمن است.» زبان، چشم، گوش، قلب و فکر انسان مؤمن آزاد نیست. دست و پای انسان مؤمن آزاد نیست. بنده آن است که در بند باشد.

۲۱۱. این چه آزادی است که جوانان پاک را به حال خودشان می‌گذارند تا خراب شوند؟ یک دختر که آزادی بی‌حدومرز دارد، هرکجا خواست می‌رود و صدها جوان را هم آلوده می‌کند. نتیجه آزادی بدون عقل و منطق در آمریکا نمایان شده: شصت درصد ازدواجها به طلاق می‌انجامد و شصت درصد بچه‌هایی که به دنیا می‌آیند معلوم نیست که پدر واقعیشان کیست. اینها آمار است که خودشان می‌دهند. اگر آزادی به این صورت بود، خدا یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر نمی‌فرستاد و هر پیامبر هم چند نماینده نمی‌داشت.

۲۱۲. روشنفکران کوردل به علت علم‌زدگی و غرب‌زدگی خدا را که خالق آنها است کنار گذاشته‌اند. اینها صحبت از آزادی می‌کنند، جوان‌های عزیز مراقب باشند فریب این صندلی‌زده‌های بیچاره را نخورند.

۲۱۳. بالاترین عبادات انتظار فرج است. البته منظور این نیست که بخوابی تا ایشان بیاید و درست کند، منتظر بودن یعنی اینکه آن طور که او -امام زمان (عج)- می‌خواهد خود را بسازی. انتظار این نیست که یک شمشیر و یک اسب بخری و هرروز جلویش جو بریزی، یا اینکه ماهی یکبار جمکران بروی و دورکعت نماز بخوانی. البته این کار خوب است، ولی تا ماه بعد که می‌خواهی دوباره به جمکران بروی دل امام زمان (عج) را به درد نیآور.

۲۱۴. آنان که دم از امام زمان (عج) می‌زنند تا خودشان را اصلاح نکنند به جایی نمی‌رسند. البته ما خودمان هم نمی‌توانیم خودمان را بسازیم، بلکه فقط باید توکل و توسل‌مان به خدا و ائمه (ع) باشد.

۲۱۵. خداوند در عبادت، علی (ع) را میزان قرار داده است. در مال هم خمس و زکات را امتحان قرار داده است. خدا فریب دولا و راست شدن کسی را نمی‌خورد و حتماً ما را امتحان می‌کند.

۲۱۶. کسی که وجوهات مالش را می‌دهد، در واقع نزد خدا برای خودش ذخیره‌ای درست می‌کند. انسان دانا هرچقدر هم که کم‌درآمد باشد، کمی از آنرا نادیده می‌گیرد و پس‌انداز می‌کند.

۲۱۷. بعضی از آقایان در ماه رجب سه روز می‌روند و در مسجد اعتکاف می‌کنند. در حالیکه اگر بیایند در مجالس و برای خلق الله صحبت کنند، هزاران بار از اعتکاف بیشتر برایشان می‌نویسند. ولی دلشان می‌خواهد بروند و در مسجد بخوابند. حالا از ایشان بخواهند که بیا و فلان‌جا صحبت کن، می‌گویند این قدر پول می‌گیرم تا بیایم.

۲۱۸. علمی که بدون حلم باشد عجب می‌آورد، تکبر می‌آورد، علم و دانایی را از خدا بخواهید ولی همراه حلم.

۲۱۹. درک، بینایی، دانایی، علم و حلم و عباداتتان را به خدا بسپارید، خودش این‌طور خواسته، و هم او برای شما بهترین امانتدار است.

۲۲۰. اگر به علم و معرفت و درک رسیدیم آن را از خودمان ندانیم. همه چیز از خداست. اگر این را باور کنیم، غرور و تکبر در ما راه پیدا نمی‌کند.

۲۲۱. یک تحویلدار بانک ممکن است روزی ده میلیارد پول بگیرد ولی اصلاً متکبر نمی‌شود. چون می‌داند مال خودش نیست و هرروز هم باید حساب پس بدهد. عزت و علم و معرفت هم همین است، همه‌اش از آن خداست، نکند اگر بدست آوردی مغرور بشوی.

۲۲۲. کسی که علمش زیاد می‌شود نباید متکبر بشود. معصوم (ع) فرموده‌اند: آنچه را که می‌دانید در مقایسه با آنچه که نمی‌دانید، مثل یک حلقه انگشتر است در مقابل دریاها. تصور کنید که فقط ده میلیون کتاب در عالم باشد. بهترین خواننده در تمام عمرش ده هزار تایی آنرا می‌خواند. یعنی یک درصد خواندنیهای دنیا را، تازه اگر بفهمد چه خوانده.

۲۲۳. زیبایی، زشتی، عافیت و بلا زیر زبانتان نهفته است.

۲۲۴. شما در روز چند نوع چوب می‌خورید، یکی از دست‌نفس‌تان، یکی از دست شیطان و ده تا از دشمنان.

۲۲۵. ولایت امیرالمؤمنین (ع) کلید بهشت است. البته این ولایت باید ولایت عملی باشد نه لقلقهٔ زبان.
۲۲۶. کسی را که شیطان قسم خورده که به جهنم می‌کشانم شما مؤمنین هستید. وگرنه کسی که از صبح تا شام مشغول حرام است، فرزند شیطان است و شیطان هم با او کاری ندارد.
۲۲۷. در خانواده سعی کنید خوش اخلاق باشید، پدر بد اخلاق سبب می‌شود که اهل او عیوبشان را از ترس مخفی کنند، لذا کار خراب‌تر می‌شود.
۲۲۸. هدف از ازدواج خور و خواب و شهوت نیست. بلکه یک مبارزه است، یک مبارزه مقدس. ازدواجی که منجر به فرزندان بی‌اخلاق و بی‌بندوبار شود، نصف دین را که کامل نمی‌کند هیچ، کل دین را هم از بین می‌برد.
۲۲۹. اگر می‌بینی که داری عملت (عمل بدت) را مخفی می‌کنی، بدان که در خلافی.
۲۳۰. فرموده‌اند: «موی سفید قاصد مرگ است». حالا بعضی می‌خواهند با رنگ مو و دندان عاریه‌ای جوان بشوند.
۲۳۱. بعضی از دانشمندان معتقدند که اجداد ما میمون‌ها بوده‌اند، نه اینطور نبوده. این دانشمندان با این اعتقاداتشان تازه میمون شده‌اند. در حالیکه شاید قبلاً انسان بوده‌اند.
۲۳۲. مسلمان به کسی نمی‌گویند که با زبان بپذیرد و با دل و عمل مخالفت کند. مثلاً شخص از راه دزدی درمی‌آورد و بعد به مکه می‌رود که به او بگویند حاج فلانی. تا اعتباری به دست بیاورد و مردم به او اعتماد کنند و راحت‌تر بتواند جیب مردم را خالی کند.
۲۳۳. راحتی ما در راحتی خلق خداست. اگر بخواهیم راحت باشیم، باید به فکر راحتی خلق خدا باشیم.
۲۳۴. دو چیز را همواره در نظر داشته باشید: اول خدا و دوم مرگ. و دو چیز را هرگز در نظر نگیرید: اول خوبی‌هایی که در حق دیگران می‌کنید و دوم بدی‌هایی که دیگران در حق شما می‌کنند.

۲۳۵. «تلافی کردن» که ابتدا یک تک سلول است، در قلب انسان تغذیه می‌شود، رشد می‌کند و تبدیل به یک هیولای مهیب می‌شود.
۲۳۶. خدا می‌تواند در جهنم برای شما بهشت بسازد. در تمام تهران مردم کاسه چه کنم به دست گرفته‌اند ولی شما چون گرد خرمن اهل بیت(ع) هستید در عافیتید.
۲۳۷. خدا به مال مؤمنین برکت می‌دهد. مثلاً می‌خواهد دوتا مریضی بیاید و کلی ضرر کنی و پول دوا و دکتر بدهی، اما خدا نمی‌گذارد.
۲۳۸. این قدر به فکر کاغذ دیواری و رنگ و لعاب خانه نباش. ما باید باطن خانه‌هایمان را تمیز کنیم. یعنی نعمت و بلا و گرفتاری را از درون خانه‌هایمان بوسیله همین ذکرها و عبادات خارج کنیم.
۲۳۹. حضرت علی(ع) می‌فرماید: اگر علم شرافت می‌آورد شیطان اول شرافتمند عالم بود. مگر اینها که بمب‌های چند تنی روی سر مردم می‌ریزند بی‌سوادند؟ مگر سامری باسواد نبود؟
۲۴۰. سعی کنید در خانواده، خودتان متدین باشید. چون شما نمی‌توانید پدر و مادرتان را اصلاح کنید. اگرهم با آنها درگیر شوید دینتان را از دست می‌دهید. ولی هنگام ازدواج همسر متدین انتخاب کنید که دیگر واجب است.
۲۴۱. شما هرکجا بخواهید درست زندگی کنید عده‌ای معترض‌اند. در راه خلاف و عرق خوری هم باز عده‌ای موافق‌اند و عده‌ای مخالف. بنابراین تو راه خدا را انتخاب کن و محکم باش.
۲۴۲. ما زمانی خوب هستیم که از ذات ظلم بدمان بیاید، نه اینکه هروقت به خودمان ظلم شد ناراحت بشویم.
۲۴۳. شهوت یعنی میل مفرط به هر چیزی. یعنی آن میلی که ما را از خدا جدا می‌کند.
۲۴۴. انسان وقتی در خانه خدا بیاید برایش خواب و بیداری معنا ندارد. در خواب است یک جور به او می‌دهند و در بیداری است یک جور دیگر. یعنی مُدام در حال کسب فیض است.

۲۴۵. دین اسلام یادگرفتنی نیست، رفتنی و طی کردنی است. قرآن خواندنی نیست، عمل کردنی است.

۲۴۶. ذغال را هرچه بسایی سیاهی پس می‌دهد. نفس اماره هم طوری خلق شده که نمی‌توان از آن انتظار سازش داشت. برای همین اگر دو رکعت نماز ما جا بیفتد، به دوهزار رکعت نماز ملائکه می‌آورد.

۲۴۷. امتحان الهی یک روز و دو روز نیست. لباس مخصوصی هم ندارد که ما آن را بشناسیم. امتحان گمنام می‌آید، بنابراین خیلی حواستان جمع باشد.

۲۴۸. آزمایش، لباس، قیافه یا علامت خاصی ندارد که آن را بشناسیم. پس از خدا بخواهیم چشمان را باز کند.

۲۴۹. کسی که خودش را شناخت به درون خودش می‌رود و علاقه‌ای ندارد که دیگران او را بشناسند.

۲۵۰. از خدا بخواهیم که ما را بر نفسمان مسلط کند. چون اگر ما بر نفس مسلط شویم، شیطان کاری نمی‌تواند بکند. نفس رفیق شیطان است. اگر نفس با او باشد شیطان سوار است.

۲۵۱. یک جمله از حضرت علی(ع) است که اگر مردم همین یک جمله را داشته باشند دنیا بهشت می‌شود. آن جمله این است: آنچه را برای خودت می‌پسندی برای دیگران هم بپسند و آنچه را برای خودت نمی‌پسندی برای دیگران هم بپسند.

۲۵۲. یکی از نشانه‌های شخص مخلص این است که اعضایش بی‌آزار است. یعنی با نگاهش، با دست و قلمش و با پست و ثروتش به کسی آزار نمی‌رساند.

۲۵۳. پانزده اسفند چه فرقی با پانزده فروردین دارد؟ جز اینکه عید تمام شد، درحالیکه سفته‌ها، چک‌ها، بدهکاری‌ها، غیبت‌ها و تهمت‌ها باقی ماند. این «عید» نیست «عیب» است. آیا ارزشش را دارد که انسان این همه خودش را آزار بدهد که حالا چهار روز عید خوش باشد؟

۲۵۴. نماز مثل یک تماس تلفنی بین تو و خداست. هرگز قطعش نکن. حتی اگر صبح خواب ماندی و قضا شد. عیب ندارد، وقتی بیدار شدی بخوان، ولی حتماً بخوان.

۲۵۵. همه ما فانی می‌شویم، یا در راه خدا یا در راه دنیا. خوشا به حال آنان که فناء در خدا می‌شوند، چون به لقای خدا می‌رسند، و هرکس به لقای خدا رسید به بقای در خدا خواهد رسید.

۲۵۶. احترام به دیگران سوای سجده بر آنان برای دنیاست. تواضع چیز دیگری است. تواضع انسان را به فناء فی‌الله می‌رساند.

۲۵۷. خدای متعال به همه یکسان پول نداده، برای اینکه کار دنیا بچرخد. وگرنه اگر همه مردم یکسان پول داشتند، دیگر مثلاً نانوا صبح سحر به خاطر پول در آوردن سرکار نمی‌آمد و کسی نان پیدا نمی‌کرد. آن طور کار دنیا می‌خوابید.

۲۵۸. آتش (حطمه) از همین دنیا دامنگیر بعضی‌ها می‌شود. آنها که به هر علتی دل کسی را سوزانده‌اند، مثلاً طرف با پولش دل فقرا را می‌سوزاند ولی نمی‌داند که فردا به روز خودش می‌آید.

۲۵۹. اینکه عده‌ای از مردم دائم گرفتارند علتش این است که در روزهای خوشی یاد خدا نبوده و نیستند. اگر در روز خوشی به جای شب‌نشینی و غیبت، در خانه خدا را می‌زدند، روز گرفتاری با یک «یا الله» جواب می‌آمد.

۲۶۰. پرداخت وجوهات، دارایی انسان را بیمه می‌کند. مثلاً شخص آن وقت که یک میلیون تومان پول داشت اگر ۲۰۰ هزار تومانش را خمس می‌داد، امروز مجبور نبود همه‌اش را بابت دوا و درمان بدهد.

۲۶۱. قصه‌هایی که برای بچه‌ها می‌گویند غفلت آور و خواب‌کننده است، ولی قصه‌های قرآن بیدار کننده و هشیار کننده است. خداوند حدود سیصد قصه در قرآن حکایت کرده تا ما بیدار شویم. مثلاً آنجا که می‌گوید اقوام پیشین را با یک زلزله نابود کردیم. می‌خواهد بگوید الآن هم هر چه دارد می‌شود کار ماست و ما الآن هم می‌توانیم.

۲۶۲. انسان ضعیف برای خدا گردن کلفتی می‌کند. آن خدایی که از قلب زمین سنگ مذاب خارج می‌کند. خدا در سورهٔ فیل می‌خواهد بگوید گردن کلفت تو، فیل زیر پایت (فیلی که سوارش شده) و اسکناس توی جیبیت هم مال من است.

۲۶۳. تنبلی و سستی از انسان است و گرنه در خانهٔ خدا همیشه باز است. هرگاه بگویی «الله» می‌گوید «جانم».

۲۶۴. رسول‌الله(ص) فرمودند: «خیر و سعادت برای کسی است که اخلاقش پسندیده باشد». البته اخلاق هم پسندیده نمی‌شود مگر اینکه انسان با کمک و یاری خودشان- خدا و اهل بیت(ع)- درونش را تربیت کند. وقتی فیل و اسب و ... تربیت می‌شوند، می‌آیند در سیرکها و پول هم در می‌آورند، آیا انسان تربیت نمی‌شود؟

۲۶۵. خدا هرگز کسی را گمراه نمی‌کند. خدا اگر دست انسان را ول کند دیگر دستش در دست شیطان است.

۲۶۶. غیرمؤمنین اگر در دنیا برای خدا خرج کنند، خدا در همین دنیا مزدش را می‌دهد.

۲۶۷. سؤال می‌کنند که چرا حضرت زهرا(س) آن قدر بلند گریه می‌کردند که همه اعتراض کردند؟ در حالیکه نمی‌بایست صدای ایشان را نامحرم بشنود. در جواب باید بگویم که گریه ایشان سیاسی بود. زنان مؤمنه دور ایشان جمع می‌شدند و می‌رفتند یقه شوهرهایشان را می‌گرفتند که چرا حق ایشان را نمی‌دهید. و گرنه وقتی حضرت علی(ع) بیت‌الاحزان را در بیابان برای ایشان ساخت که دیگر صدا به نامحرم نمی‌رسید، پس چرا رفتند خرابش کردند؟ چون از تأثیرات سیاسی‌اش می‌ترسیدند. حضرت زینب(س) نیز این شیوه تبلیغی سیاسی را از مادر آموخت و حالا کار به اینجا رسیده که تمام دنیا در عزای امام حسین(ع) را برپا داشته و مقام ایشان را گرامی می‌دارند. اسلام یک دین سیاسی است و اعمال اهل بیت(ع) هم سیاستمدارانه بوده است.

۲۶۸. مسؤلین مراقب باشند امکاناتی که در اختیار دارند هفتاد میلیون جمعیت در آن سهیم‌اند. حضرت علی(ع) یک امپراطور جهانی بود. اگر فردای قیامت کسی

بگوید که در زمان سلطنت علی(ع) من غذایم فقط نان و آبگوشت بود، خدا می‌فرماید مگر غذای خود امیرالمؤمنین چه بود؟ نان و نمک! تازه تو اگر نان گندم می‌خوردی ایشان نان جو می‌خوردند یعنی خدا وکیل مدافع علی(ع) می‌شود. در مورد لباسشان هم همین‌طور بود. ضمن اینکه وقتی ایشان با لباس وصله‌دار و کهنه وارد جامعه می‌شد، فقرا نه تنها از لباس مندریشان خجالت نمی‌کشیدند، بلکه افتخار هم می‌کردند که لباسشان مثل لباس علی(ع) است.

۲۶۹. اگر هدف از زندگی خدائی باشد، با هرروز زندگی که می‌گذرد هزار سال بهشت درست می‌کنیم، ولی اگر هدف شهوت باشد، هزار سال جهنم دارد. پس هرچه انسان زودتر بمیرد بهتر است.

۲۷۰. پیامبران عمر طولانی از خدا خواسته‌اند، نه به خاطر دسته کردن اسکناس بلکه بخاطر اینکه برای خدا کار کنند.

۲۷۱. در اروپا و آمریکا خیلی‌ها با سگ و میمون زندگی می‌کنند. حاضرند با حیوانات زندگی کنند ولی با انسان زندگی نکنند، این قدر که از یکدیگر زشتی دیده‌اند.

۲۷۲. اسلام وجودش عمل کردن به احکام است. کسی که ده سال پیش با هزار تومان حساب پس‌انداز باز کرده امروز می‌رود سر به حسابش می‌زند می‌بیند همان هزار تومان است. چون دیگر پولی به حساب نریخته. اسلام آوردن مثل حساب باز کردن است و عمل کردن مثل پول ریختن.

۲۷۳. در اسلام این سفره‌های حضرت ابوالفضل(ع) و رقیه(ع) و سکینه(ع) که بعضی‌ها می‌اندازند وجود ندارد. برای رفتن به این مجالس زن‌های بدحجاب با صورتهای بزک کرده توی خیابان راه می‌افتند، طلا قرض می‌گیرند و آن را به رخ هم می‌کشند. گناهشان هم تمام پای کسی است که سفره را می‌اندازد.

۲۷۴. اگر تو تشنه باشی، همه مردم هم که دورت جمع بشوند و بگویند آب، آب، از تو رفع عطش نمی‌شود. یا اینکه بنویسند و از در و دیوار خانه‌ات آویزان کنند فایده‌ای ندارد. علاج تو یک استکان آب است. عمل به دستورات اسلامی هم حکم آب برای تشنگان را دارد.

۲۷۵. از دین‌ها و اخلاقیات من‌درآوردی پرهیز کنید. مراقب کلمات قلنبه و سلنبه‌ای که عده‌ای به اسم عرفان به خورد خلق الله می‌دهند باشید. اسلام یک خدا و یک پیامبر و یک قرآن دارد. در حالیکه هر کدام از کشورهای اسلامی برای خودش دینی دارد.

۲۷۶. هرکس دینی را اختراع کند برای خودش است. ولی مسئله شخص نیست، این شخص پنجاه سال دیگر یک نفر نیست هزاران نفر است. مثلاً اگر سنگی در استخر بیندازی، در ابتدا فقط محل اصابت سنگ از خود هیجان نشان می‌دهد، ولی در عرض چند ثانیه، هیجان تمام استخر را فرا می‌گیرد.

۲۷۷. در ایام محرم دو طایفه خوشحال‌اند یکی بنی‌امیه که امام حسین (ع) را شهید کردند و طایفه دیگر کسانی که به بهانه محرم هرسال پولی به جیب می‌زنند. البته خیلی‌ها هم پول می‌گیرند ولی برای رضای خدا کار می‌کنند. کار باید برای رضای خدا باشد، حالا چه پول بگیری، چه نگیری.

۲۷۸. معاویه از حضرت علی (ع) داناتر یا زرنگ‌تر یا بهتر نبود. علت اینکه مردم علی (ع) را رها کردند و به معاویه پیوستند این بود که معاویه کاری را می‌کرد که نفس مردم می‌خواست و این‌طور آنها را جذب می‌کرد.

۲۷۹. فکر نکنید که یک جامعه باید صددرصد خلاف باشد تا به آن جامعه فاسد بگویند. شصت، هفتاد درصد جامعه اصلاً نمی‌توانند خلاف و جنایت کنند. چون که یا بیمارند یا زندانی، یا پیرند یا بچه، یا پولش را ندارند، یعنی شرایط گناه برایشان جور نمی‌شود. وگرنه این دلیل خوب بودن جامعه نیست! آن سی درصدی که می‌توانند خلاف کنند، دائم در خلاف‌اند و کوتاهی هم نمی‌کنند.

۲۸۰. انسان باید خودش را در جوانی بسازد، گرگ پیر نمی‌درد چون عرضه‌اش را ندارد. اگر دوباره به او جان و توان بدهند همان گرگ است. انسان‌ها هم وقتی پیر می‌شوند همه مؤمن می‌شوند. چون دیگر توان گناه ندارند.

۲۸۱. الآن گروه‌های مختلف خودشان هم می‌دانند در خلاف‌اند ولی دائم همدیگر را تأیید می‌کنند. علتش این است که از قرآن و سنت رسول‌الله (ص) می‌ترسند. چون اگر بخواهند در مقابل هم بایستند، باید قرآن و سنت را داور خود قرار بدهند و آن وقت داور هر دو را رد می‌کند.

۲۸۲. اهل بیت (ع) دوستان خدا را دوست دارند. این معنای اصلی تولی است.

۲۸۳. همه اهل بیت (ع) شهید شدند، ولی فقط شهادت امام حسین (ع) است که این همه سروصدا دارد. علتش این است که دشمنان ایشان پست‌ترین انسانها بودند و فشاری که به امام حسین (ع) آمد از همه بیشتر بود.

۲۸۴. در یک‌جا معصوم (ع) فرموده‌اند: علم نور است و در جای دیگر فرموده‌اند: علم سد بزرگی بین خدا و انسانهاست. آنجا که علم عجب و تکبر بیاورد، سد است میان انسان و خدا.

۲۸۵. نه آنکه ریشش را می‌تراشد بی‌دین است و نه آنکه نماز می‌خواند دین‌دار است. چون تراشیدن ریش فسق است، ولی اگر طرف اهل عمل صالح باشد، کار خوبش دستش را می‌گیرد. اما کسانی که حضرت علی (ع) را شهید کردند همه اهل نماز، قرآن و اهل عبادت بودند. همه ریش داشتند و جای مهر توی پیشانی‌شان بود.

۲۸۶. مَثَلِ انسانهای مسنی که در راه خدا تربیت نشده‌اند مَثَلِ درخت کجی است که تنومند شده، اگر بخواهی راستش کنی می‌شکند و اگر کج بماند چشم مردم را کور می‌کند.

۲۸۷. نفسِ انسان از هر چه گرگ و شیر و سگ و ... درنده‌تر است. حال اگر بخواهیم آدم باشیم باید با آن بجنگیم.

۲۸۸. بعضی از خوبی‌ها را نباید از ترس ریا شدن مخفی کرد. گاهی نفس حالتی به انسان می‌دهد که تو داری ریا می‌کنی، این خودش نفس است. اگر وجوهات می‌دهی به مردم بگو، نماز می‌روی به مردم بگو تا شاید آنها هم تکانی بخورند. بعضی از چیزها را باید به زبان بیاوری برای ارشاد مردم.

۲۸۹. الان مردم جداً عاشق خدا هستند، لذا اگر جایی از خدا بگویند آنها می آیند. ما نباید به ریش و پشم خلق الله نگاه کنیم، چه بسیار آدم‌هایی که ظاهر خوبی ندارند ولی درونشان مملو از خداست.

۲۹۰. به ظاهر مردم نباید نگاه کرد. تمام کسانی که دور انبیاء جمع شدند اولش کافر بودند ولی در اثر آمدن و رفتن‌ها خدا را پیدا کردند.

۲۹۱. اگر ما از راه بندگی جلو برویم آنچه را که دنبالش می‌گردیم را جلویمان می‌گذارند و دیگر لازم نیست دنبالش بگردیم.

۲۹۲. هر چیز که بسوزد باید دور بریزی، اما دل که می‌سوزد ارزش پیدا می‌کند و کافی است یک آه بکشد، حتی اگر نفرین هم نکند، همه چیز را به هم می‌زند.

۲۹۳. در هر پست و شغلی که هستی برای فردایتان کار کنید. چون پست و مقام چهار روز است و اگر مطیع نفس و شیطان باشی گناهش میلیون‌ها سال می‌ماند. بعضی‌ها که آن قدر بی‌ظرفیت‌اند که در خانه ذلیل زن و بچه‌اند، ولی تا بگویند از امروز تو رئیس این اتاق هستی باد می‌آورند.

۲۹۴. بدانید که هر کس که حیا ندارد ایمان ندارد، هر که ایمان ندارد عقل ندارد، هر که عقل نداشت متکبر می‌شود و هر که متکبر شود هیچ است، حتی کلمه هیچ هم برایش زیاد است.

۲۹۵. شما همه می‌دانید قرآن یکی است، رسول الله (ص) یکی است و فردا هم که حضرت صاحب(عج) تشریف می‌آورند با همین قرآن جهان را می‌سازند. ولی چرا پنجاه و پنج کشور اسلامی که داریم، پنجاه و پنج نظر مختلف دارند؟ علتش این است که هر کس روی رأی و نظر خودش عمل می‌کند و هیچ‌کس کاری به خدا و احکام ندارد.

۲۹۶. در تمام دوران عمر سه وظیفه داریم:

۱. تا زنده‌ایم باید کار کنیم.
۲. تا زنده‌ایم باید در آزمایش‌ها پیروز شویم.
۳. تا آخر عمر باید دین خدا را یاری کنیم.

۲۹۷. انسان وقتی به پول می‌رسد، مردم به دروغ او را احترام می‌کنند. ولی این احترام کاذب است و اگر ثروتش را از دست بدهد مردم همان احترام دروغین را هم از او دریغ می‌کنند. احترام واقعی را از دو راه می‌توان یافت: اول آنکه انسان مؤمن حقیقی بشود و دوم آنکه اخلاق خوب داشته باشد.

۲۹۸. اگر کار برای خدا باشد، خدا خوب می‌خرد ولو کم باشد. ولی اگر برای مزد باشد، خدا هم خوب حساب می‌کشد.

۲۹۹. یک نوع پدر، پدر اصلی انسان است، یک نوع دیگر پدرزن یا پدرشوهر است که حکم پدر را دارد و دیگری پدر اخلاق و پدر توحیدی است. یعنی آن کس که به شما احکام و اخلاق و معرفت می‌آموزد. بدانید که این پدر به آن دوتای دیگر برتری دارد.

۳۰۰. من بچه‌ها را حتی در اروپا و آمریکا نگاه می‌کنم می‌بینم خوب‌اند ولی این طور بار آمده‌اند. ولی ماهی را هروقت از آب بگیري تازه است. حتی همان‌ها هم اگر مربی خوب داشته باشند، اصلاح می‌شوند.

۳۰۱. صبر در مصائب خیلی بالاست، ولی بهتر از آن صبر در حرام است. مثلاً این‌روزها زن‌ها در خیابان این طور خودشان را ساخته‌اند تا جوان‌ها را به خطا بکشاند. حال تو صبر می‌کنی و نگاه نمی‌کنی، این صبر در فعل حرام است.

۳۰۲. اگر برایت پیش آمد که کار خوبی کردی، باد نکن. تشکر کن که خدا این فرصت را به تو داده. و اگر بد کردی توبه کن، چون خدا هم سریع می‌گذرد.

۳۰۳. خیانت در امانت از نشانه‌های اشخاص منافق است. ولی بدانید که امانت می‌تواند حتی یک جمله یا یک کلمه حرف باشد.

۳۰۴. امروز عده‌ای به بهانه این که اسلام قدیمی است با احکام آن می‌جنگند. قوانین راهنمایی و رانندگی هم مال پنجاه سال پیش است، آیا ما به خاطر گذشت زمان می‌توانیم این قوانین را رعایت نکنیم؟ اسلام اگر چه قدیمی است، ولی آئین‌نامهٔ انسانیت است و همواره با زمان پیش می‌رود.

۳۰۵. بعضی از مردم دائم به دنبال دنیا می‌دوند، ولی دنیا از آنها می‌گریزد و برعکس بعضی دیگر ایستاده‌اند ولی دنیا سراغشان می‌آید، اینها کسانی هستند که خیرخواه مردم‌اند.

۳۰۶. طوطی عظمت خود را بر فراز شاخسار می‌بیند و مرغابی عظمت و بزرگی خود را در اعماق لجنزار. هردورا هم خدا آفریده، خوب است که انسان سعی کند در این دنیا طوطی‌صفت باشد.

۳۰۷. می‌پرسند چرا این جلسه بعد از بیست و نه سال هرروز از قبل پرشکوه‌تر شده است؟ در جواب باید بگوییم به چهار دلیل: اول اینکه اطعام دارد آن هم اطعام بی‌ریا. همه‌جور انسان هم می‌آیند؛ فقیر، پولدار، جوان، پیر و...

دوم اینکه این جلسه در سراسر سال قرائت قرآن دارد. در ماه مبارک رمضان که قرائت هر آیه‌اش مطابق یک ختم قرآن است.

سوم اینکه به‌خاطر وجود عده‌ای اهل فضل، سالانه چندین میلیون تومان از طریق این جلسه به خلق الله می‌رسد.

وچهارم که مافوق همه اینهاست، همین امر به معروف و نهی از منکر است.

۳۰۸. ما زمانی یک انسان خوب و نجیب هستیم که در مقابل ده صفت بدی که در درون انسانها هستند، ده صفت خوب را جای بدهیم:

عدل	در مقابل کینه
معرفت	در مقابل حسد
درک	در مقابل حرص
مردم‌داری	در مقابل بخل
خوش‌برخوردی	در مقابل نفاق
زشت نگفتن	در مقابل غیبت
تواضع	در مقابل بغض
خوب گفتن	در مقابل غضب
حق‌شناسی	در مقابل تکبر
فروتنی	در مقابل ریا

۳۰۹. یک عمل خوب ممکن است با یک نقطه تبدیل به عمل بد شود، مثلاً با ریا. همانطور که رحمت با یک نقطه تبدیل به زحمت می‌شود.
۳۱۰. این همه کتاب‌های جورواجور نخوانید، چون اصلاً لازم نیست. خیلی‌ها دائم دارند می‌خوانند، ولی به‌جایی نرسیده‌اند. فاصله شما تا خدا فقط یک قدم است؛ آن را روی من خود بگذارید.
۳۱۱. اگر کسی با معرفت در این جور کلاسها شرکت کند، هرروزش به اندازه ده سال انسان را جلو می‌برد. کلاس اهل بیت (ع) همین است. انسان تصاعدی بالا می‌رود. مثلاً یک جمله را می‌فهمد، در همان یک جمله صد جمله دیگر پیدا می‌کند.
۳۱۲. کسانی که اهل فهم، درک، معرفت و علم باشند یک نشانه دارند آن‌هم تواضع است. تواضع علامت فهم و علم و دانائی است.
۳۱۳. بهترین اعمالی که در شبهای قدر می‌توان انجام داد اینها هستند:
۱. بیدارباشیم، حتی اگر عبادت هم نکنیم عبادت محسوب می‌شود. ولی انسان باید مراقب باشد به غیبت نیفتد.
  ۲. گناهانمان را از اول عمر تا به حال به خاطر بیاوریم و توبه کنیم.
  ۳. کارهای خوب انجام بدهیم، مانند گفتن صلوات و خواندن نماز لیلۃ القدر
۳۱۴. نود درصد مردمی که ظاهراً فقیرند در حقیقت فقیر نیستند، بلکه یا زیاده‌خواه‌اند یا متکبر و یا اسرافکار.
۳۱۵. کسانی که به عنوان روشنفکری از دین فرار می‌کنند یا به علت خشکه مقدسی در ظواهر دین غرق می‌شوند، از حیوانات پست‌ترند.
۳۱۶. اعتقاد از علم هم مهم‌تر است. در عصر رسول‌الله (ص) خیلی‌ها علم داشتند، سیفالاسلام هم بودند ولی ایمان و اعتقاد نداشتند.
۳۱۷. علمای اهل علم کسانی هستند که می‌خوانند و کبر و باد می‌آورند و سرانجام از خدا می‌برند. ولی علمای اهل ذکر هرچه بیشتر می‌فهمند، تواضعشان بیشتر می‌شود.

۳۱۸. این طور که بی‌دینی دارد زیاد می‌شود، این طور که خلاف دارد شدت می‌گیرد، به‌زودی زندان‌ها جابگو نیستند، باید دور تهران را دیوار آهنی بکشند و کل تهران را زندان اعلام کنند!

۳۱۹. با این زندگی که مردم برای خودشان درست کرده‌اند، اگر خود حضرت علی(ع) یا رسول‌الله(ص) هم بیایند و با این کارها مخالفت کنند، مردم برعلیه آنها می‌جنگند و حتی آنها را دوباره شهید می‌کنند.

۳۲۰. در بیابانی که برف و سرما یا آفتاب و گرما دارد و پر است از حیوانات وحشی، ما اگر هم میخ و هم چادر داشته باشیم ولی عمود چادر را نداشته باشیم، این چادر به درد ما نمی‌خورد و نمی‌تواند از ما محافظت کند. حال بدانید که نماز هم عمود و ستون دین است.

۳۲۱. خانم‌ها باید بدانند که رنگ و روغن به آنها زیبایی نمی‌دهد. رنگ و روغن فقط شما را انگشت‌نمای شیطان می‌کند.

۳۲۲. تو اگر زیبا بودی متوسل به رنگ و روغن نمی‌شدی. علت زشتی تو، کمبود رنگ و لعاب نیست، چون خلقت تو این طور است. ولی بدانید والله زیبایی هم از در خانه خدا به‌دست می‌آید.

۳۲۳. انسان عاقل با حرف‌های غرور‌آور اطرافیان خلاف نمی‌کند. مثلاً می‌گویند اگر عرضه داری بیا و این سیگار را بکش. این حماقت است نه عرضه!

۳۲۴. کاری که به انسان شخصیت نمی‌دهد ارزش تجربه ندارد. می‌خواهی یک سیگار تجربه کنی می‌بینی همان یک سیگار موجب بیچارگی تو و خانواده تو می‌شود.

۳۲۵. نامحرم‌های خانگی از نامحرم‌های کوچه و خیابان نامحرم‌ترند. نامحرم خیابان نگاه می‌کند و رد می‌شود. ولی پسرخاله، پسرذایی، پسرعمو و ... هرروز می‌آید و می‌رود و سرانجام تو را آماج مقاصد شیطانی خود قرار می‌دهد.

۳۲۶. ما دوجور حیا داریم: حیای عاقلانه و حیای احمقانه. مثلاً کسی خجالت می‌کشد که به ناموس مردم متلک بگوید، این یک شرم عاقلانه است. ولی شخصی در شرایط اضطراری خجالت می‌کشد بپرسد توالت کجاست. این یک شرم احمقانه است.

۳۲۷. دوچیز برای انسان راه نجات است:

اول اهمیت دادن به نماز و دوم خیر بودن. این درست نیست که بگویید ندارم، خدا از داشته‌های ما با اطلاع است.

۳۲۸. همه ما تا به جایی نرسیده‌ایم قبلی‌ها را انتقاد می‌کنیم. قوم موسی(ع) اقوام قبل از خودشان را انتقاد می‌کردند ولی خودشان با ده روز تأخیر موسی(ع) گوساله‌پرست شدند. قوم عیسی(ع) قوم موسی(ع) را انتقاد می‌کردند. خودشان هم رفتند تا حضرت عیسی(ع) را بکشند. قوم رسول‌الله(ص) هم آنها را مسخره می‌کردند، خودشان شمشیر به دست گرفتند و برعلیه علی‌ابن ابیطالب(ع) جنگیدند. قوم رسول‌الله(ص) از همه بدتر کردند، هنوز بدن رسول‌خدا(ص) گرم بود که همه در ثقیفه جمع شدند و کودتا کردند و دختر گرانقدر ایشان را نیز چند روز بعد کشتند. خلاصه هر قومی قوم پیش از خود را انتقاد کرد و بعد خودش بدتر شد. جان شما الآن هم همین طور است. بعضی‌ها قبل از انقلاب خوب حرفهایی می‌زدند. خوب انتقادهایی می‌کردند، ولی الآن خودشان از آنها بدتر شده‌اند.

۳۲۹. دوچیز دارد خوب‌ها را در این دوره و زمانه زمین می‌زند: اولاً چون جمهوری اسلامی است پس هر چه می‌شود اسلامی است و اشکالی ندارد، ثانیاً چون بعضی اعمال عمومی شده و همه‌جا هست به خاطر وفورش تصور می‌شود که حلال است. در حالیکه حلال خدا حلال است تا روز قیامت و حرامش هم حرام است تا روز قیامت.

۳۳۰. عده‌ای منتظرند بمیرند و به بهشت بروند، غافل از اینکه یاد خدا بهشت است. هر که یاد خدا را یافت با صاحب بهشت رفیق شده است و از همین دنیا در بهشت است.

۳۳۱. در راه خدا آمدن فشاری ندارد، چون انسان فقط باید با یک نفس اماره بجنگد، ولی هر که برای غیر خدا بیاید فشار دارد، چون باید با همه بجنگد.

۳۳۲. خداوند در قرآن مثالی می‌زند: اگر کسی خادم ده نفر انسان خشن باشد که هر کدام از آنها دستوری خلاف دیگری می‌دهند بهتر است یا اینکه او تنها بندهٔ خدای عظیم‌الشان باشد؟ طرف خود را اسیر صد نفر کرده که هر کس هم چیزی از او می‌خواهد ولی اگر انسان به راه خدا آمد فقط گرفتار خودش است، گرفتار نفس. و هرگاه بر خودش پیروز شود دیگر راحت است و سختی ندارد.

۳۳۳. یکی از خوبی‌های راه خدا این است که کسی به ناموس کسی کاری ندارد، ولی اگر انسان رعایت نکند، روزی که هیچ قدرتی ندارد، دخترش، پسرش یا نوه‌اش خراب می‌شود و او نمی‌تواند کاری بکند.

۳۳۴. اگر ما از اهل بیت (ع) راه را یاد بگیریم و عمل کنیم که کار خاصی نکرده‌ایم. چون آدمی باید آدم باشد دیگر؛ اگر آدمی مثل بز رفتار کند عجیب است.

۳۳۵. این زمانه هم خیلی بد است و هم خیلی خوب، از بس خوبی کم شده است، اگر یکی کمی درست باشد مثل خورشید می‌درخشد. پس انسان باید قدر بداند.

۳۳۶. چهار چیز انسان را به کمال می‌رساند:

۱. از خدا خواستن به وسیله ائمهٔ اطهار(ع)

۲. ادب کردن عقل

۳. تربیت نفس به وسیله دانسته‌ها (منظور از دانسته‌ها علوم قرآنی و احادیث

و گفتار اهل بیت(ع) است)

۴. کوشش و مراقبت که از بقیه مهم‌تر است.

۳۳۷. از خدا اراده، علم و حلم بخواهید. این سه باید با هم باشند، چون بدون اراده حلم و علم بدست نمی‌آید و علم بدون حلم مثل این است که یک مسلسل پر و آماده را به دست یک کودک بازگوش بدهیم.

۳۳۸. اکثر ما یاریگر ستمگران هستیم. مثلاً غیبت ستم است. و اگر انسان گوش کند و بی تفاوت باشد در حقیقت ستمگر را یاری کرده است. البته در این دوره بدترین ستم دارد به خدا و قرآن می‌شود.

۳۳۹. تشویق بی‌رویه خطر کبر و غرور دارد، در حالیکه انتقاد برای مؤمن سازنده است، به شرط آنکه اولاً مغرضانه نباشد، ثانیاً ایجاد یأس نکند.

۳۴۰. پیامبران کشتگان حسادت‌اند. علی(ع) را حسادت اطرافیان خانه‌نشین کرد و در نهایت کشت. چون دشمنانش می‌دانستند که او کیست و او را کاملاً می‌شناختند. ولی حسد اجازه نمی‌داد تا خلافت او را بپذیرند.

۳۴۱. اگر می‌خواهید خدا و چهارده معصوم(ع) شما را یاری کنند و عاقبت شما ختم به خیر شود:

۱. از راه حلال و پاک پول بدست بیاورید.

۲. پول را با پرداخت وجوهات شرعی پاک نگه دارید.

۳. سخی و خیر باشید و در راه خدا خرج کنید.

۴. تا آخرین نفس گرد خرمن اهل بیت(ع) باشید.

۳۴۲. اگر در حق دیگران خوبی کرده‌ای منتظر جبران نباش، چون این انتظار تو را به جهنم می‌کشاند.

۳۴۳. اگر در زندگی انسان قناعت و میانه‌روی باشد. دزدی، جنایت، طلاق و ... به حداقل می‌رسد. اینها همه به خاطر زیاده‌خواهی است.

۳۴۴. هی این قدر نگوئید که ما برای فرزندانمان چه کرده‌ایم؟ تو هیچ‌کاری نمی‌توانی بکنی چون همه چیز در دست خداست. توفیق می‌توانی دزدی کنی! چون آرزوهای دراز آخرش انسان را به بدبختی می‌کشاند.

۳۴۵. اگر اهل قناعت نباشی، هرچقدر دعا کنی و خدا هم بدهد باز هم فقیر و بیچاره می‌شوی.

۳۴۶. هرچقدر که حقوق می‌گیری بر سی و سه روز تقسیم کنی که اگر حقوقتان سه روز هم عقب افتاد نیازمند نشوید و اگر هم به موقع حقوق دادند که ده درصد صرفه‌جویی کرده‌اید.

۳۴۷. اینکه عده‌ای می‌گویند اجتماع خراب‌کننده است حرف غلطی است. در حقیقت مردم در خانواده‌ها خراب می‌شوند و بعد می‌آیند اجتماع را هم آلوده می‌کنند. بنابراین باید اصلاح از خانواده شروع شود.

۳۴۸. حیات بشر کلاً چهار روز است:

۱. روزی که پستی، موقعیتی یا ثروتی به تو رو می‌کند.
  ۲. روزی که آن پست یا موقعیت را از تومی گیرند و تو احساس له‌شدگی می‌کنی.
  ۳. روزی که می‌میری.
  ۴. روزی که با دست خالی در پیشگاه خدا حاضر می‌شوی.
۳۴۹. وقتی یک دکتر به تو دارو می‌دهد، حتی اگر چند قلمش اشتباه باشد و عوارض جدی ایجاد کند، ساعت می‌گذاری و نصف شب از خواب بیدار می‌شوی و سر ساعت اطاعت امر می‌کنی. ولی خدا که خالق تو است هرچه می‌گوید می‌پرسی چرا و هزار بهانه می‌آوری.
۳۵۰. دین نماز خواندن، روزه گرفتن و مکه رفتن نیست. دین یعنی رعایت احکام و احادیث. مثلاً پرهیز از غضب که یک دقیقه‌اش عبادت هفتاد سال را زایل می‌کند.
۳۵۱. گوش کنید برای خدا، حفظ کنید برای خدا، عمل کنید برای خدا و نشر دهید برای خدا. اصل عرفان همین است.
۳۵۲. کسی که در فقر بی‌صبری کند و دست به حرام بزند در ثروت هم دست به خرابکاری خواهد زد. کسی که در سلامت صبر ندارد و گناه می‌کند، در بیماری جور دیگری زمین می‌خورد یعنی کفر می‌آورد.
۳۵۳. آیا ارزش دارد انسان به خاطر هفتاد سال زندگی که سی‌وپنج سالش شب است و او در خواب، ده سالش بچه است و چیزی از زندگی نمی‌فهمد، پانزده سالش را هم که یا توی راه است یا سر سفره و یا در دستشویی صرف می‌کند، فقط به خاطر ده سال تا خدا خدایی می‌کند در آتش جهنم بسوزد؟
۳۵۴. اهل حق در هر زمان بسیار کم‌اند. روزگاری رسید که مولا علی(ع) تنها از یک راه و همه خلائق از راه دیگری رفتند و ایشان تنها ماند.
۳۵۵. از نظر دنیوی هم که حساب کنیم. حضرت علی(ع) نیکی‌های بیشماری در حق خلق الله نمود. مثلاً صد هزار نخل به ثمر رسانید و در راه فقرا وقف کرد. چاه حفر نمود و وقف فقرا کرد. هزار بنده آزاد کرد و ... ولی در نهایت به مردم سلام می‌کرد و جوابش را نمی‌داند.

۳۵۶. نفس اماره نمی‌خواهد زیر بار برود، شیطان هم قسم خورده که شما را زمین بزند، اطرافیان هم تا می‌توانند نق می‌زنند، که البته علتش حسادت و تنبلی خودشان است. ولی شما در مقابل هر سه تا صبر می‌کنید. برای همین خدا در دنیا و آخرت شما را آقا می‌کند.

۳۵۷. دلخوشی زیاد انسان را جهنمی می‌کند، چون غفلت می‌آورد.

۳۵۸. خدا را این طور قبول کن که تو را خلق کرده، همیشه تو را می‌بیند، خیال درون مغزت را می‌داند، بعد از مرگ تو را زنده می‌کند و یا به بهشت می‌برد یا به جهنم، این یعنی ایمان.

۳۵۹. بیست و سه سال بود به تو فحش می‌دادند، تو غضب می‌کردی، الآن هشتاد و سه سال است ولی باز هم همان طوری. تو ایمان نیاورده‌ای!

۳۶۰. زمانه طوری شده که مردم دیگر تلفنی زنا می‌کنند. چراکه طبق احادیث گناه یک غیبت بیش از سی زناست. و تلفن زمان ما اصلی‌ترین ابزار غیبت شده است.

۳۶۱. بزرگ بودن با بزرگ‌نمایی کردن فرق دارد، یکی در اثر ادب کردن عقل و رعایت احکام بزرگ شده است، او در مقابل مردم و خدا عزیز است. و دیگری بر اثر ادب نکردن عقل خوار شده است، هم در مقابل خدا و هم در مقابل مردم. حالا بزرگ‌نمایی می‌کند. مثلاً سیگار گوشه لبش می‌گذارد، یا با ماشین سواری‌اش، یا با پولش یا با میز و صندلی و پست و مقام یا اینکه من پسر فلانی هستم. اینها بزرگ‌نمایی است و از حقارت درون سرچشمه می‌گیرد.

۳۶۲. اینها که قرآن، سنت و احکام را می‌شکنند، هزاران بار از آنکه پهلوی خانم فاطمه(س) را شکست گرفتارتر و بدترند. آنان که دارند احکام را پاره پاره می‌کنند، هزاران بار از آنکه سند فدک را پاره کرد بدتر و پست‌ترند.

۳۶۳. شما اگر دعا کنید که خدایا ما را بساز که بهترین خلق باشیم، خدا می‌کند. ولی شما پای حرفتان نمی‌ایستید چون راه خدا سوز دارد، ولی شما با سختی‌های راه نمی‌سازید، آنجا که سوزش هست دیگر سازش نیست.

۳۶۴. کسی که زیر بار آدم شدن نمی‌رود به این علت است که سختی دارد. مانند همان آهن زنگ‌زده بی‌ارزشی که اگر بخواهد لیاقت پیدا کند نعل کف پای الاغ بشود، باید از آتش عبور کند و چکش بخورد.

۳۶۵. انسان اگر بخواهد راه خدا را برود، اول باید خواست داشته باشد، دوم باید دنبال خواستش برود و سوم اینکه در سختی‌هایش صبر کند. البته در هر کاری همین است، مثلاً کسی که می‌خواهد ازدواج کند. اول خواست دارد، بعد پای خواستش می‌ایستد، از ول‌خرجی‌هایش می‌زند و پول جمع می‌کند، حالا که ازدواج کرد، زن مریض می‌شود، بچه می‌آید و ... لذا پایش می‌ایستد.

۳۶۶. اگر به شما بگویند فلان کار را نکنید ولی شما انجام بدهید «دل» است ولو نماز خواندن باشد. بیست و نه سال است که در کلاس‌هایمان می‌گوئیم دل را کنار بگذارید تا سعادتمند شوید.

۳۶۷. اگر انصاف بدهید زحمات راه خدا و آدم شدن کمتر از زحمات راه خلاف است. زحمت در راه خلاف اول و آخر نابودی است، ولی زحمت در راه خدا در دنیا و آخرت عظمت است.

۳۶۸. نود و نه درصد رفاقتها برای این است که به شما خوش بگذرد. حالا اگر رفیقی بخواهد تورا اصلاح کند از او می‌بری، ولی بدانید که رفاقت هم باید برای خدا باشد. ۳۶۹. هر لحظه که تصمیم بگیریم و با اراده به سوی خدا بازگشت کنیم، در هر موقعیتی که باشیم در خانه خدا باز است.

۳۷۰. ما سه نوع نگاه به نامحرم داریم:

۱. نگاهی که گناه‌آلود است، یعنی یک بار نگاه کردی و حالا دوباره نگاه کردنت را دنبال کنی و ادامه بدهی.
۲. نگاهی که نه تنها گناه نیست بلکه جهاد اکبر است؛ یعنی بار اول نگاهت افتاد، حالا نفست می‌خواهد، ولی تو به خاطر خدا نگاه نمی‌کنی و جلوی نفست را می‌گیری. این تماماً ثواب است.
۳. نگاهی که نه ثواب است و نه گناه؛ یعنی چشمت به نامحرم افتاده ولی حواست نیست و فکرت جای دیگر است.

۳۷۱. زن و مرد، پیر و جوان، بزرگ و کوچک، با خدا آشتی کنید. آنکه می‌تواند همه بدبختی‌ها را برطرف کند خداست. بلاهائی که با پول و ثروت و مقام هم برطرف نمی‌شود با ذکر خدا می‌شود.

۳۷۲. امام زمان (عج) بعد از خدا از هر کس به شما نزدیک‌تر است. دائم به فکر ماست، در غصه ماست. شبها گوشه‌ای بنشین و صد عدد صلوات برای سلامتی ایشان بفرست و با ایشان صحبت کن. حاجت‌هایت را بخواه، دعا کن.

۳۷۳. در هر جایگاهی که باشی اگر خدا تو را امتحان کرد و رفوزه شدی دیگر حذف کردنت برایش کاری ندارد. تو را برمی‌دارد و کس دیگری را جایت می‌گذارد. پس مواظب باش در امتحان زمین نخوری.

۳۷۴. زبان‌هایتان را به ذکر خدا عادت بدهید. در راه مدرسه، در آشپزخانه، در محل کار، در خانه و ... با ذکر خدا خانه‌هایتان را و زن و بچه‌هایتان را از ظلمت و نکبت نجات بدهید.

۳۷۵. خانه کعبه گهواره علی‌ابیطالب(ع) است و تمام عظمتش هم از همین است. تو مکه رفتی و دور گهواره علی(ع) چرخیدی و آمدی، چقدر حرف علی(ع) را پذیرفتی؟ چقدر عمل کردی؟

۳۷۶. مال، علم، ثروت، پست و ... بدون خدا وسیله تنزل تو است. عظمت تو در اطاعت خداست.

۳۷۷. زندگی آخرت هم مثل زندگی دنیاست. آنجاست که نیاز داری پس لوازم زندگی اخروی خود را از پیش بفرستید.

۳۷۸. دعای پدر و مادر در حق فرزند کارها می‌کند، مخصوصاً مرده‌هایشان! دعای اموات خیلی کارها می‌کند.

۳۷۹. کار خوب پاداش دارد، برای کفار در همین دنیا ولی برای مؤمنین در آخرت. خداوند به مؤمنین در دنیا به قدر کفاف می‌دهد.

۳۸۰. اگر بخواهیم بعد از مرگ بچه‌هایمان برایمان کاری بکنند باید یادشان بدهیم. یعنی خودمان بکنیم تا آنها یاد بگیرند.

۳۸۱. انجام کار خوب دو شرط دارد: یکی اینکه خدا توفیقش را بدهد و دوم اینکه خودمان هم تکان بخوریم.
۳۸۲. زمانی که خودتان کار دارید، کار خدا را ارجحیت بدهید. آنها هم حسابگرند، می‌دانند چطور جواب شما را بدهند.
۳۸۳. در سختی‌ها برای خدا کار کنید. خدا هم روزهای سخت را از سر راه شما برمی‌دارد.
۳۸۴. برای خدا بنده شوید، برای خدا حرکت کنید و برای خدا کار کنید. خدا هم برای شما کارها می‌کند. یک قدم به او نزدیک شوید، او صدها قدم به شما نزدیک می‌شود.
۳۸۵. (باور کنید، باور کنید) آنچه که شما را راحت می‌کند و نجات می‌دهد باور است. عمل زیاد، ذکر زیاد و نماز زیاد انسان را به جایی نمی‌رساند، بلکه این باور است که انسان را هدایت می‌کند و رشد می‌دهد.
۳۸۶. توکل، باور و ایمان قوی به قلب انسان آرامش می‌دهد.
۳۸۷. یقین و باور از راه ادب کردن عقل و عمل به احکام و قرآن و سنت و تهذیب نفس حاصل می‌شود.
۳۸۸. مؤمن یعنی رستگار، یعنی خلاصه تمام خوبی‌های عالم.
۳۸۹. شیطان کارش این است که وعده‌های باطل بدهد، مثلاً خلاف کن خدا کریم است، گناه کن خدا می‌آمرزد، پیر می‌شوی توبه می‌کنی، بزرگ می‌شوی اصلاح می‌کنی و یا حتی اینکه امام‌زمان (عج) ظهور می‌کند و تو اصلاح می‌شوی. اینها همه وعده‌های نفس و شیطان است.
۳۹۰. یک آشپز تمام هم و غمش این است که هر غذایی را که به او دستور بدهند، همان را آماده کند و تحویل بدهد. درحالی‌که طبیب نگاه می‌کند که چه غذایی برای طرف مفید است، آن را تجویز می‌کند. امروزه دولتمردان ما دارند نقش آشپز را برای این مردم ایفا می‌کنند. نگاه می‌کنند که این مردم چه میل دارند همان را ارائه می‌کنند. در حالی‌که این مردم به طبیب نیاز دارند تا آنچه را که برایشان مفید است، به آنها ارائه کند.

۳۹۱. از خدا بخواهید که غفلت را از شما دور کند. چون انسان اول غافل می‌شود، بعد هرچه می‌خواهد انجام می‌دهد.
۳۹۲. اینکه می‌گویند رضایت خدا بدون خشم بر خود میسر نیست. منظور این است که باید دائماً با نفس اماره خود بجنگی، چون اگر غیر از این باشد نفس تو را نابود می‌کند. مثلاً وقتی در نمازی، مدام فکرت را این طرف و آن طرف می‌برد و نمی‌گذارد توجه قلب داشته باشی.
۳۹۳. رابطه پدر و فرزند نباید رابطه بنا و بنا باشد که فقط بسازد و برود و حالا هروقت خراب شد بیاید و درستش کند.
۳۹۴. وقتی مبنای ازدواج و زندگی پول شد، همان پول خرابش می‌کند.
۳۹۵. وقتی مبنای دوستی و آشنایی سواد و مدرک شد، همان هم نابودش می‌کند. به دادگستری‌ها بروید و ببینید که اکثر طلاق‌ها ریشه در همین قضیه دارد.
۳۹۶. وقتی در پیشامدهای زندگی نظیر دوستی، آشنایی و ازدواج یا هر موضوع دیگری پایه و اساس، خدا، دین و انسانیت باشد، هیچ‌وقت دیگر خرابی نخواهد داشت.
۳۹۷. وقتی زندگی همه‌اش از روی هوای نفس باشد ویران است.
۳۹۸. وقتی زندگی و زنده بودن همه‌اش بر اساس لذت و شهوت و خودپرستی و آزادیهای غلط و باطل باشد از پایه نابود است.
۳۹۹. زمانی کارها درست است و زندگی سالم است که زیر نظر خدا و قرآن و، احکام الهی و سنت رسول‌الله(ص) و اهل بیت(ع) باشد.
۴۰۰. حضرت علی(ع) می‌فرمایند: عقل آن است که برخلاف نفس حرکت کند و کار انجام دهد.

## پایان

## التماس دعا